





دفتر معاون اول رئیس جمهور



## تجلیل ازد دکتر داوری ارد کانی در جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی



مراسم پایانی بیست و پنجمین جشنواره ملی کتاب سال دانشجویی با معرفی برگزیدگان و تقدیر از دکتر رضا داوری اردکانی به عنوان استاد خادم کتاب برگزار شد.

به گزارش ایسنا، حمیدرضا طیبی، رئیس جهاد دانشگاهی، در این مراسم با بیان این‌که ما استراتژی توسعه صنعتی نداریم، گفت:ما باید اولویت‌هایمان را برای توسعه مشخص کنیم. اگر اولویت‌های ما مشخص باشد، استادن و دانشجویان را در این زمینه راهنمایی می‌کنند. این کار باید در کشور ما صورت بگیرد. یکی از مشکلات ما این است که به بحث تقدیر در علم توجهی نداریم. بسیاری از دانشجویان مقالات خود را در ISIمنتشر می‌کنند که خارجی‌ها از آن استفاده می‌کنند.

طیبی افزود: یکی از مشکلات ما کار ناپیانی است. ما جنگ ناپیانی را شنیده بودیم، اما در حال حاضر در عرصه علم کار ناپیانی شکل گرفته است. کسانی می‌آیند برای دیگران رساله و کتاب می‌نویسند. ما در جلو دانشگاه تهران و در خیابان انقلاب هر روز با این مساله مواجه هستیم که ۶۰ نفر پاکارد به دست گرفته‌اند که ما پایان‌نامه می‌نویسیم. این اتفاق در حوزه فناوری هم رخ داده است. ما به نظر وجهه خوبی ندار. شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوبه‌های را برای برخورد با آنها تنظیم کرده بود، اما

اتفاقی در این زمینه رخ نداد. باید شورای عالی انقلاب فرهنگی در این زمینه بازبینی انجام دهد و مجلس شورای اسلامی نیز به این مساله توجه داشته باشد. این موضوع به کسانی که کار شایسته انجام می‌دهند ضربه وارد می‌کند. نوشتن که به بحث تقدیر شود، زیرا آینده علم در خطر است. ...حجت الاسلام والمسلمین رستمی، رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، هم با اشاره به این‌که میزان سرانه مطالعه در کشور ما اندک است، گفت: باید برای ترویج کتاب و کتابخوانی اقدام کرد. یکی از جلوه‌های این موضوع برگزاری جشنواره این چنینی برای معرفی مؤلفان است، یکی از وظایف مربوط به دانشگاه‌ها، ترویج کتاب و کتابخوانی است.

دکتر رضا داوری اردکانی هم در این مراسم گفت: لطیفی که من داشنید، لطف به کتاب و دانشجوست. من یک دانشجو یسادم. دانشجو یکی که پیر شدام. من یک دام معمولی هستم. این جا محل زندگی من است و بیش از «مدان» را به این‌جا به سر بردم. من این‌جا خودم را خادم نمی‌فانم، اما از این‌که من در این راه به عنوان منتخبر گردید تشکر می‌کنم و می‌توانم به آن بنامم. این‌جا جایی است که خدامان کتاب بسیاری داشته است که من در مقابل آنها چیزی نیستم.

وی‌او در ادامه خاطرنشان کرد: من کتاب را دوست داشتم و نوشتن را با نقد کتاب شروع کردم. کتابی از ابراهیم خواجه نوری می‌خواندم که فصلی درباره مدرس داشت و تصویر درخشانی از مدرس داده بود. این موضوع به حدود ۷۰سال قبل مربوط است و بعد از آن نیز نقد کتاب را رها نکردم اما متأسفانه نقد کتاب در روزگار من رونقی ندارد. گاهی احساس می‌کنم در این سال‌های که به کتاب آشنا شدم، نقد کتاب در کشور من مورد

### نمایش منتخبی از اسناد نفیس خارج جز در کاخ گلستان



نمایشگاه «منتخبی از اسناد نفیس خارج جز در کاخ گلستان» برای نخستین بار به همراه نمایشگاه‌های «منتخبی از فرش‌های کاخ گلستان» و «عکس‌های ناصرالدین شاه در همایش ملی «هنر ایران در دوره قاجار» ۳۰ آبان در این مجموعه میراث جهانی برگزار می‌شود.

به گزارش ایلنا، مسعود نصرتی (مدیر مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان) گفت: مجموعه‌ای از اسناد خارجی دوره قاجار که در گنجینه مرکز اسناد کاخ گلستان نگهداری می‌شود برای نخستین بار و به مناسبت برگزاری همایش ملی «هنر ایران در دوره قاجار» در موزه مردم‌ناسی به همراه ۴۰ قطعه عکس با موضوع عکاسی‌های ناصرالدین شاه که از مراسم‌های مختلف گرفته شده در آلبوم خانه کاخ گلستان به نمایش گذاشته می‌شود، قدیمی‌ترین آثار مربوط به این مجموعه میراث جهانی کاخ گلستان با اشاره به اهمیت

### گنجینه فرهنگی

**نمایشگاه خوشنویسی اشعار حسین بها‌هی**
**در فرهنگسرای سرو**

نمایشگاه آثار خوشنویسی سیده مهربان از اشعار و دلنوشته‌های مرحوم پنهانی بازنرگ سیمنا، تاتار و تلویزیون از ۲۵ آبان در نگارخانه «فرهنگسرای سرو» پایتخت برپا شد.

به گزارش ایپا، مهربان هنرمند خوشنویس و برگزاکتنده این نمایشگاه اظهارکرد: حدود ۲۲ اثر خوشنویسی به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق در این نمایشگاه به نمایش گذاشته شده است. این هنرمند خوشنویسی، علاوه بر نمایش‌های مرحوم پنهانی را از علی بریایی این نمایشگاه بیان کرد.

مهربان افزود: در این افتتاح این نمایشگاه، یک اثر به آن‌ها پیوسته و مرحوم پنهانی ahead شد. وی سخنرانی، پخش کلیپ از زندگینامه و نقش آفرینی مرحوم پنهانی و اجرای موسیقی را در بخش نمایش جنبی نمایشگاه اشعار مرحوم پنهانی در قلاب خوشنویسی اعلام کرد. این نمایشگاه دردف فرهنگسرای سرو، واقع در خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از پوستان ساعی، کوچه ساعی به مدت یک هفته از ساعت ۱۹ تا ۱۹ میزان عرواق مندان خواهد بود. حسین بهانی شاعر، نویسنده، کارگردان و بازیگر مجاز دوره ۱۳۳۵ در روستای دژکوه از شهر سقز در استان کهگیلویه و بویراحمد است که سال ۸۳ در سن ۴۹ سالگی درگذشت.

**مدیر مرکز موسیقی و مدیر مرکز آفرینش های مجدلاندین**
معلمی انهار هنری حوزه هنری طی حکمی، میلاد عرفانپور را به سمت مدیریت مرکز موسیقی حوزه هنری و عباس محمدی را به سمت مدیریت مرکز آفرینش های ادبی حوزه هنری منصوب کرد.
به گزارش پایگاه خبری حوزه هنری، پیش از این عباس محمدی مدیریت مرکز موسیقی حوزه هنری را بر عهده داشت. میلاد عرفانپور، شاعر و ترانه‌سرای کارکنان برنده نایلد جایزه‌های معتبر ادبی از جمله قلم‌زین و جشنواره شعر فجر بوده است. مدیریت دفتر شعر موسسه شهرستان

### اخبار داخلی

## رونمایی از کتاب «تاریخ دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی» در کتابخانه ملی

سرویس فرهنگی-هنری:به مناسبت نودسالگی تأسیس دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، دیروز ۲۸آبان، در حضور استادان، پژوهشگران، فرهیختگان و علاقه‌مندان به علم و فرهنگ از کتاب «تاریخ دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین‌طوسی: نخستین دانشگاه صنعتی ایران» به پژوهش و نگارش دکتر سیدحجت‌الحق حسینی در

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران رونمایی شد. به گزارش خبرگزرا ما، در این مراسم با حضور رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی اظهار کرد: ما در این سازمان دو بخش برای ارائه خدمات داریم که «خدمات آرشویی» یکی از این بخش‌ها است که در آن ۷۲۰۰ هزار سند نگهداری می‌شود و اسنادی هستند که یا ما آنها را برای خدمات‌دهی به پژوهشگران آماده کرده‌ایم یا پژوهشگران درخواست این اسناد را داشته‌اند و براساس خواست آنها این اسناد را گردآوری و در اختیار پژوهشگران قرار داده‌یم. البته یک مرحله خدمات پیش آرشویی هم داریم که برای تفکیک اسنادی است که ارزش نگهداری دارند و در این بخش بیش از ۳۰۰ میلیون سند وجود دارد. در این سازمان همچنین بخش اسناد دیجیتال با حدود ۶۰ هزار سند وجود دارد که در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهیم.

رزفشان الهمه داد: بخش دیگری هم در این سازمان با عنوان «بخش کشفای» وجود دارد که بخشی از کتابخانه است و در این بخش، اسناد مساحبه شفاهی یا ۲۶در۳ صاحب‌نظران و معاصر نگهداری می‌شود و در اختیار پژوهشگران قرار می‌گیرد.

در ادامه این مراسم، غلامرضا عزیزی رئیس پژوهشکده اسناد این سازمان که اجرای این مراسم با ریز به عهده داشت، گفت: ۵۰درصد از مراجعه کنندگان به اسناد این سازمان، پژوهشگران و دانشجویان تاریخ هستند و ۴۹درصد بقیه دانشجویان و پژوهشگرانی از طیف‌های مختلف هستند. در این سازمان قوانین و مقرراتی برای دسترسی به اسناد وجود دارد و وقتی فهرست‌نویسی شدند قابل دسترسی خواهند بود. در طول ۲۷سال سابقه خدمت در این قضاقت دو نفر از مراجعه کنندگان را به یاد دارم که به قدری مشتاق و علاقه‌مند به دسترسی و استفاده از اسناد نظرشان بودند که توانستم به آنها بگویم قوانین و مقررات اینجا دستم را بسته است و اجازه دارم خارج از قوانین به اسناد و کتاب‌ها دسترسی پیدا کنند.

دکتر رضا ارم‌اللهی، رئیس پیشین سازمان انرژی اتمی، سخنران بعدی این مراسم بود. وی اظهار کرد: یکی از گرفتاری‌های علمی کشور ما ناشناختن تاریخ مکتوب است. آقای سیدحجت‌الحق حسینی که تاریخ نویس است بیش از این شاگرد دقت گشتنی بود که خود این اسناد گام‌های بلندی در سطح تخصصی علمی همچون نجوم و دیگر علوم برداشته بود و من به سهم خود از زحمات آقای حجت‌الحق حسینی در نگارش این کتاب اززمند تشکر می‌کنم. ارم‌اللهی با اشاره به تاریخ ۱۳۰۷ که در پای‌شان دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی آمده است، گفت: جریان مفصل جگونگی تبدیل مدرسه مختلارت به دانشگاه خواجهنصیرالدین طوسی و داستان آن تاریخ که زمان تأسیس دانشگاه است در کتاب تاریخ دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، آمده است و لذا از توضیح اضافی در این باره پرهیز می‌کنم. اما فقط می‌گویم در طی این سال‌ها هر قدم که برداشتم، جلوتر رقیتم و وضعیت دانشگاه درست‌تر شده است اما این دانشگاه خیلی مظلوم است و این اواخر بسیاری در صدور دگره نااختن در کار این دانشگاه بودند و می‌خواستند مقاطع تحصیلی آن را مثل دوره‌های قبش فقط به کارشناسی تزل دهند و ما این تاریخ ۱۳۰۷ که به ریز آرم این دانشگاه اضافه کرده‌ام با اشاره به سابقه این دانشگاه و مسیری که طی کرده است جلوی این کار را گرفتیم. ارم‌اللهی افزود: اگر این دانشگاه امروز به ۹۰سالگی رسیده است به این خاطر است که پیشینیان ما قدم‌هایی را برداشته‌اند و مثل دو اسکافمت خودمان تا حاصل زحماتشان را به دست ما رسانده‌اند. این دانشگاه خیلی مظلوم بوده و مکان‌ها هم مظلوم است در حالی که کسانی که این دانشگاه بوده‌اند و برای این دانشگاه تلاش کرده‌اند، بی‌تغذیر. یکی از این افراد بی‌تغیر خردمند دکتري بوده که متأسفانه نامش را فراموش کردم و ایشان اولین مرکز مشاوره را با حضور روانشناسان و برای برطرف کردن مشکلات دانشجویان در این دانشگاه به راه انداخت و پس از موفقیت‌های این مرکز مشاوره، دیگر دانشگاه‌ها مثل دانشگاه تهران مراکز مشاوره را راه‌اندازی کردند.

وی در پایان سخنانش گفت: دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی یکی از دانشگاه‌های بسیار خوب کشور است و می‌تواند بالنده باشد، فقط باید مسئولان یکی قدم بزرگ بردارند و دانشگاه‌های آن را در کجا بگرداروند چون دانشگاهی که دانشکده‌های این دانشگاه باعث شده است برای آن اهمیت و توجه کمتری از آنچه که ارزشش را دارد شتاب شوند.

سپس غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشکده اسناد این سازمان

### روز سینمای ایران در جشنواره فیلم کوتاه منچستر بر گزار می‌شود

جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه منچستر در کشور انگلستان برنامه ویژه‌ای را تحت عنوان روز سسینمای ایران اختصاص داده که با نمایش ۱۵ فیلم کوتاه و یک انیمیشن همراه است.

این برنامه با نمایش یک انیمیشن بلند و پانزده فیلم کوتاه داستانی در روز ۲۵ نوامبر (چهارم آذر) در این جشنواره برپا می‌شود که شامل نمایش فیلم‌های کوتاه- «ووتش» (کاهو مظاهری)، «برای فروش» (علی بنایان)، «مانیکور» (آرمان فیاض)، «زونا» (طوفان نهای‌قدرتی)، «قصیه مامان سوری» (حسین هجرتی)، «سکوت» (مهدي بورويان)، «يک روز ساده» (مهدي بورجيان)، «اهدیه» (سحر ستوده)، «هزارتو» (شيو توري)، «آتن» (حسین شاعری)، «دو گانگی» (سپیده ولی‌نژاد)، «درخت» (حمیدرضا درویش)، «باب کورن» (میلاد فخرالهی)، انیمیشن بلند «آخرین داستان» (اشکان رهگذر) و انیمیشن‌های کوتاه «رواده» (صادق جوادلی) و «بدو رستم بدو» (حسین ملایمی) می‌شود. هم‌چنین فیلم «لوتوس» به کارگردانی محمدرضا وطن‌دوست در هفتمین حضور بین‌المللی خود در بخش رقابتی جشنواره بین‌المللی فیلم منچستر انگلستان به نمایش درمی‌آید و ۱۱ فیلم مستند دیگر از کشورهای برزیل، آمریکا، کانادا، هند، نهلستان، انگلستان، فنلاند، کلمبیا، روسیه، کنگو، و تاجیکستان رقابت می‌کند. نمایش فیلم «لوتوس» برای روز چهارشنبه ۲۸ نوامبر (۷ آذر) ساعت ۱۶ برنامه‌ریزی شده است. فیلم «آریو والیبال» به کارگردانی محمد بخش، «صل به پچه خوب» به کارگردانی آریو وزیردفتري و «آوای مستان» ساخته حمزه زارعی نیز در بخش فیلم‌های کوتاه اروپامیان این رویداد نمایش داده می‌شود.

جشنواره بین‌المللی فیلم منچستر «کتیو فیلم» نیز در روز چهارشنبه فیلم کوتاه و انیمیشن مستقل و هنری انگلستان است که از تاریخ ۲۴ نوامبر تا ۲ دسامبر (۳ تا ۱۱ آذر) برگزار می‌شود.

## وزارت علوم:شمار دانشجویان ارشد و دکتری از خط‌خزوم عبور کرد

مدیرکل دفتر گسترش آموزش عالی گفت: هر ساله گسترش بیش از یکصد هزار نفر دانشجو در دوره دکتری و ۷۵۰ هزار نفر در مقطع کارشناسی ارشد، تحصیل می‌کنند که باید روندی کاهشی طی شود تا کشور به استانداردهای بیسن انگلیس در جذب دانشجو نزدیک شود.

ابوالقاسم دولتی دیروز در گزارشی از توسعه مطالعات میان رشته‌ای در توسعه علمی و کارآفرینی کشور با اشاره به رشد نامناسب جمعیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دانشگاه های کشور به ویژه دانشگاه آزاد اشد گفت: تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی در دوره دکتری در وزارت علوم از سال ۹۳ تا ۹۶ به بیش از ۶۰ هزار نفر افزایش داشته است.

وی یادآور شد: پیشتر: تعداد دانشجو در مقطع تحصیلات تکمیلی به دانشگاه آزاد برمی گردد که در این حجم دانشگاه‌های بخش از آن چیزی است که آموزش عالی و بازار کار به آن نیاز دارند.
دولتی افزود: در بررسی

### اخبار داخلی

سه شنبه ۲۹ آبان ۱۳۹۷ - ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۰ - ۲۰ نوامبر ۲۰۱۸ - سال نود و سوم -شماره ۲۷۱۵۱

## رونمایی از کتاب «تاریخ دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی» در کتابخانه ملی

و بازتاب و یادآور تاریخ و پژوهش هستند با کاغذی مرغوب، حروف‌نگاری مناسب، صفحه‌آرایی خوش‌نما و حرفه‌ای و جامعی تصاویر، اسناد و مدارک و جداول گویاساز، نشان می‌دهد که کتابی مهم و ارزشمند پیش روی ماست.

کتابی که اساس و شاکله آن بر اسناد تاریخی استوار است. اسنادی که بخشی از منابع و مآخذ پژوهش هستند و به سبب اعتبار وجودی، انسان، دانشمند و از میان دیگر منابع تصوری و ترمیمی و کتبی و آرشویی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند.

پژوهنده ارجمند کتاب، به خوبی درک کرده است که «تاریخ به منزله شناخت گذشته بشر، مبتنی بر مدارک و شواهد، رشته‌ای علمی است که به گفته مارو طی «قرون متمادی تجربه غنی شده است.» این علم همانند دیگر علوم در حال تحول است و قابلیت تکامل دارد. تاریخ بدون وجود اسناد و منابع تاریخی موجودیت نمی‌یابد. منظور از منابع تاریخی اسناد مکتوب، اسناد دیداری و شنیداری، تاریخ‌شاهی و دیگر انواع اسناد است که هر کدام سنگبنای پژوهش هستند و مستقل را شامل می‌شوند. با همه اینها سلامت نفس، صداقت و دقت در تحقیق، احاطه‌داشتن بر موضوع پژوهش و هنر نویسندگی نیز در محصول نهایی و خلق اثر تأثیرگذار خواهدبود. او نگاهی ژرف‌اندیشانه به مطالب کتاب حاضر، تمامی نکات یاد شده را به خوبی و به روشنی شاهد هستیم.

**پیام اسناد بهادالدین خرمشاهی**
متن پیام بهادالدین خرمشاهی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، قرآن پژوه و حافظ شانس به شرح زیر است:

ما بام یاد خلدون و سیاس از حاضرن، از آستانداران دانشجویانی که در این مجلس علمی ومختل روحانی حضور دارند به همراه با دانشوران و دانش‌پژوهان دیگر، چراغ علم و صنعت را در کشور ما روشن نگاه داشته‌اند، به سهم خود سپاسگزارم. از کتاب دست سنجشانی و تحول و تکامل نورمالی این دانشگاه را بسیار در گرامی داشت علم و عالمان آمده است. از جمله‌فستل اهل الذکر آن کتم لاتعلمون» هم چنین«و الذین اوتوا العلم درجات…»

از اسناد عالی قدر دکتر علی خاکی صدیق که ریاست این نهاد عظیم علمی و فنی را برعهده دارند سپاسگزارم که در این مقامی چون دکتر سیدحجت‌الحق حسینی، خواسار شدند که تاریخ تأسیس و تحول و تکامل نورمالی این دانشگاه را بنویسند. مؤلف، درامی و دیرینه ما در علم و فرهنگ و … داریم قدر آن شناخته شود.

آخرین سخنران این مراسم هم سیدحجت‌الحق حسینی، مؤلف کتاب «تاریخ دانشگاه صنعتی خواجهنصیرالدین‌طوسی» بود. وی با بیان اینکه این کتاب محصول دو عشق و یک غیرت است گفت: اسناد اورس چکنواریان به من یاد دادند که خودم را یک نگریم و کارم را جدی بگیرم و من این کار را کردم. این هفته، هفته کتابخوانی و کتابدار است و من غیرت دارم از کتابدار یاد کنم، چرا که پوهش بدون کتابدار معنی ندارد.

در این بخش دیگری از سخنانش بیان‌کرد برای اولین‌بار در خرداد

۱۳۵۱ شورای گسترش علوم و فنون، اسد دانشگاه خواجه نصیر طوسی در کسر- کار جسر- مصوبات خود قرارداد. ما طی ۲۸ روز و دو در و نگاشت و سه ویراست این اسناد و مدارک را پیگیری کردیم. ۱۸ ماه بعد که کتاب آماده شد، ۴۰۰هزار دیگر نیز برای کیفیت‌افزایی کتاب کار کردیم و این کار به دلیل یک عشق عظیم بود.

وی در ادامه سخنانش با من بردن از نهادهای و کسانی که در تهیه

و نگارش این کتاب به او یاری رسانده‌اند تشکر کرد و در انتهای سخنانش گفت: توصیه بدو همیشه به این بود که «فرزند مراهج نماوز به هر چه عزت» و من در عشق اساسی دارم: ایران و اسلام.

در پایان این مراسم دکتر بروجردی، دکتر خاکی، لوریس چکنواریان، سیدمحمود دعایی، توکلی و رزفشان برای اعضای ماکت

این کتاب به سن دعوت شدند.

**پیام دکتر کیاوش کبانی**

کیاوش کبانی به این مناسبت پیامی ارسال کرد که بخشی از متن آن به شرح زیر است:

رئیس پژوهشکده اوربحان بیرونی در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و از معاونان پیشین اسناد ملی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران دوست دانشمند دیرینه سال پیوستم، جناب آقای استاد دکتر سیدحجت‌الحق حسینی، کتاب مستطاب «تاریخ دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی: نخستین دانشگاه صنعتی ایران» ویراست دوم دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی، کتابی است که به ما می‌گوید در چه

بروجردی افزود: خواجه‌نصیر طوسی خود دانشمندی است و عهددار هدایت بسیاری از دانشمندان است و باید به آن پرداخته شود و به صورت تاریخ شفاهی ثبت شود و دکتر عزیزی از حدود هزار نفر از پژوهشگران دعوت به این کار کرده است. بنابراین این رویه باید تداوم یابد و به آن پرداخته شود چون اینها گنجینه‌هایی هستند

### جدید ترین کتاب دکتر غلامحسین دینانی در کتابخانه ملی رونمایی شد



جدیدترین اثر دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی با عنوان «وحدت هستی و هستی واحد»، به همت او جویی و کتابخانه ملی منتشر شد و در مراسمی در کتابخانه ملی رونمایی شد.

این مراسم، عمل او جویی که تدوین کتاب «وحدت هستی و هستی واحد» است، در ادامه یاد به عنوان سخنران اول با اشاره به اینکه این کتاب من پتان نامه دکتر دینانی است که در سال ۱۳۲۷ در مقطع فوق لیسانس تهیه شده، گفت: کتاب مملو از قواعد فلسفی است آنجا که قاعده فلسفی بدیهی است می‌گوید تنبیه خوبی برای بدیهیات لازم‌عاشی تذکر و تنبیه است اما جایی که اشاراتر است قواعد نظری است که به ادله نیاز دارد. در قواعد بدیهی وقتی موضوع کار فیلسوف این است که تصور درست موضوع و محمول را تبه بدلهد وقتی تصورش درست است حکم می‌کند. شیوهی ایشان سوال بی به این است که از این شیوه فرد در تصور درست سوق می‌دهد، ایشان زمانی ناراحت می‌شوند که فرد در این راستا همدلی نمی‌کند تا در مسیر سوالات به تصور درست، تنبیه شود.

عبدالله صلواتی، کارشناس مجری برنامه زایوه در شبکه چهار سیما و پژوهشگر فلسفه، سخنران بعدی این آیین فرهنگی بود. سخنان انتطاف دکتر دینانی نظر من در کتاب مستطاب «قواعد کلی فلسفه» و «وجود رابط» است. وی افزود: کار بزرگ ایشان از فلسفه است. هرکس می‌خواهد فلسفه اسلامی را بفهمد باید این کتاب را بخواند. من اگر جای دکتر دینانی بومرد اجازه نمی‌دادم این کتاب پس از ۴دهه منتشر شود. چون ایشان سه چهارم‌الی است که حرف‌هایی می‌زند که فلاسفه قبلی در فهرستشان نبوده است. اسما در این کتاب از قاعده الواحد می‌گوید که در همه آثار هست. خودشان هم در کتاب قواعد کلی فلسفه مفصل‌تر به این موضوع پرداخته است.

سخنران بعدی آیین فرهنگی بود. سخنان انتطاف دکتر دینانی فلسفی را ستود و گفت: ایشان مدعی نیست که فلسفه ملکه علوم است پس کلام وعرفان را کنار

### گنجینه آموزشی

**مار کتینک " حلقه مفقوده رسیدن به دانشگاه‌های نسل سوم**
رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر با بیان این که «مارکتینک» حلقه مفقوده رسیدن به دانشگاه‌های نسل سوم است، گفت: ما برای رفع چالش‌های بخش صنعت به دنبال بررسی مشکلات آنها هستیم که با چنین رویکردی با وزارت نفت همکاری‌های علمی ایجاد کردیم. به گزارش ایسنا، دکتر سیداحمد معتمدی در نشست صاحب‌نظران ارتباط صنعت رسیدن به دانشگاه نسل سوم را از اهداف کلان این دانشگاه ذکر کرد و افزود: دانشگاه نسل سوم دانشگاه‌هایی هستند که در چرخه اقتصادی کشور نقش و همچنین تولید فناوری دارند. در این رویکرد دیگر تولید علم کمتر مطرح است.

رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر با اشاره به تجربیات سایر دانشگاه‌ها در این زمینه، خاطرنشان کرد: هر چند که دانشگاه‌هایی مانند ام آی تی، استنفورد و برکلی از نظر تولید مقالات سرآمد هستند، ولی بررسی رزومه افراد حاکی از حجم بالایی از تولید دانش فنی فروخته شده و ثبت اختراع است، ضمن آنکه بخشی از سهام کارخانجات به دلیل فروش فناوری مربوط به این دانشگاه‌ها است.

وی با بیان اینکه در زمینه ارتباط دانشگاه با صنعت اقدامات خوبی صورت گرفته است، افزود: ولی کافی نیست و نیاز به کار بیشتر دارد و مساله ارتباط دانشگاه با صنعت یک مساله جهانی است، از این رو ما به طور جدی این هدف را دنبال می‌کنیم؛ چراکه منفعت آن هم برای دانشگاه است و هم برای صنعت.

**تمای دانشگاه علوم پزشکی به شبکه آموزش مجازی**
**متصل شدند**

رئیس دانشگاه علوم پزشکی مجازی گفت: تمامی دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور از مهر ماه اسناد به شبکه آموزش مجازی دانشگاه‌های علوم پزشکی مجازی متصل شده‌اند به نحوی که اکنون حدود ۲۷هزار نفر از این فضا بهره می‌برند. به گزارش ایسنا، دکتر سید ناصر اسناد ضمن اعلام این مطلب در حاشیه‌ایه انعام هفده همکاری میان معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت و دانشگاه علوم پزشکی مجازی، دانشگاه علوم پزشکی مجازی را به عنوان مرجع وزارت بهداشت در مجازی سازی فضای آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی دانست و اظهار داشت: بر این اساس این دانشگاه علوم پزشکی مجازی، از جمله در معاونت فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت دنبال می‌کند و قبل از این نیز با برخی دیگر از معاونت‌های وزارت بهداشت این همکاری را به خوبی پیاده کرده است.

**چهارمین اجلاس روسای دانشگاه های بر تو ایران و روسیه**

**بر گزار می‌شود**

چهارمین اجلاس روسای دانشگاه‌های برتر ایران و روسیه با هدف گسترش و تعمیق روابط علمی و دانشگاهی دو کشور ۱۳فره‌ما به میزبانی دانشگاه تهران در جبهه برگزار می‌شود.

به گزارش مهر به نقل از دانشگاه تهران، چهارمین اجلاس روسای دانشگاه‌های برتر ایران و روسیه با حضور روسای دانشگاه‌های سطح یک کشور، روسا و هیات‌های نمایندگی دانشگاه‌های روسیه، مقامات سفارتی، مقام قلم و نشر علوم و تربیت مرکز همکاری‌های علمی و بین‌المللی وزارت‌علوم در قبال برگزار می‌شود. چهارمین برنامه‌ها به‌روژه‌های مشترک بین دانشگاه‌های ایران و روسیه؛ مشکلات و چشم‌اندازها، تجربیات مدیریت دانشگاه‌ها در عرصه بین‌الملل، همکاری دانشگاه‌های ایران و روسیه در راستای ارتقا رتبه دانشگاه‌ها و انگارش و رویکرد دانشگاه‌ها در حوزه پژوهش‌های کاربردی و بنیادی را می‌توان از محورهای این اجلاس است.

**مرفی دانشجویان مشمول جایزه تحصیلی بنیاد ملی**
**تفکیک دانشگاه تهران**
دفتر استندهادهای درخشان دانشگاه تهران با صدور اطلاعیه‌ای اولین فهرست شمولان جایزه‌های تحصیلی بنیاد ملی نتخبگان را اعلام کرد. به گزارش مهر به نقل از دانشگاه تهران، در متن این اطلاعیه آمده است: «دانشجویان می‌توانند ضمن مراجعه به راهنمای بنیاد در وبگاه **bmn.irstehran.ac.ir** آشنایی با فرایند استفاده از جوایز مذکور، برای بارگذاری مدارک در سامانه بنیاد به کارشناسان معین دفتر استندهادهای درخشان دانشگاه خود، مراجعه کنند.

فهرست‌هایی بعدی مشمولان جوایز تحصیلی بنیاد نتخبگان که به تدریج اعلام شده و در سایت معاونت آموزشی دانشگاه تهران به آدرس **academics.ut.ac.ir** در دسترس خواهد بود.







علم باید به درد جامعه بخورد برای همین روی «علم کاربردی» پاشاری زیادی می‌شود. یکی از ویژگی‌های «علم کاربردی» بهره‌مندی یکسان همه جامعه‌های جهانی از دستاوردهای علمی روز است(ولی تا کنون رخ نداده است). علم‌دوست، و نه «مدرک‌پرست» است، که این دانشمندان است که شوریختانه، چندان گرامی داشته نمی‌شوند؛ و نیز «پروورش دانشجویان برنامه‌نیز همچنان به سبب گرایش جامعه‌ها به مدرک- موفق نبوده است.

**پیدایی علم**

انسان از آغاز پیدایش در پی چرایی و چستی جهان هستی بوده است؛ برای راه‌جستن به علم، راه‌های زیادی وجود دارد مانند رفتن به آزمایشگاه و دست به آزمایش‌زدن؛ همچنین خواندن و غور در اندیشه‌ها یکی از راه‌های علم‌آموزی است. برای نمونه «دانش به کجا می‌رود» از زبان پدر فیزیک کوانتوم(ماکس پلانک) و با پیشگفتار شش‌تین، کتابی ژرف‌کاواانه است. کسانی که علم‌دوست، و نه «مدرک‌پرست» است، که این فراوانند اما کسانی که در چرایی و چیستی مفهوم دانش، ژرف‌اندیشیده باشند، اندک‌اند.

♦♦♦♦♦

**♦ امید پورداود، مدرس تاریخ: در سال میلادی، سازمان ملل متحد در ماه «نوامبر» روزی را به عنوان روز جهانی «علم در خدمت صلح و توسعه» خوانده است که پیوند بیشتری میان فناوری علمی و بهبود کیفیت زندگی همگانی به وجود آید**

**♦ این روز مجالی است برای سازمان‌های علمی که مردم را با مفاهیم گوناگون دانش آشنا سازند**

**♦ بی‌گمان جامعه‌های آگاه و با دانش روز از تماشاگه یکسانی به جهان و پدیده‌هایش می‌نگردن و هم‌زیستی سازشکارانه‌تری باهم دارند**

♦♦♦♦♦

همان‌گونه که پیش‌نیاز گرایش علمی‌داشتن، شناخت خود علم است؛ و برای آشنایی با علوم باید کتاب خواند. بی‌سبب نیست که مردم کوچوپرازار می‌گویند«خوانده‌دانشمند» و «خوانده‌دانشمند» کسانی هستند که برنامه(لقب) دانشمند را پدک می‌کنند بی آن که کسی از دانشمندی آنان بهره‌ای برده باشداز چند گوشه می‌توان به واریسی پدیده دانش(علم) نشست. علم، کنش‌هایی با روش(تفسیر و آزمایش و پیش‌بینی) برای سازماندهی روشمند داده‌ها در باره جهان و برای رسیدن به حقیقت و به باورهای درست است. از پس چنین کاری، تنها دانشمندی یا خرد و دارای ذهن برتر بر می‌آید نه کسی با معلومات عمومی بالای پربازش نشده.

**سازش‌جویی**

بیشتر انسان‌ها همواره در پی این هدف‌اند که دنیایی تهی از درگیری داشته باشند؛ برای همین چشم‌داشت‌ها از دانش، گسترش صلح است. دانشی که در پی کاش و پدید آمدن مشکلات محیط‌زیستی، افزایش تولید غذا و بهره‌مندی برابرا نه همه کشورها از فناوری روز برای بهبود زندگی دهک‌های پایین جامعه باشد، به گونه‌ای خودکار، گام‌هایش در راستای صلح هم خواهد بود.

یک علم اگر در مسیر رواداری و

خشونت‌گریزی و مرزشکنی( و ایجاد ارتباط) گام بردارد، می‌تواند ابزار کارآمدی در زندگی روزانگی مردم و پیشرفت جامعه‌ها باشد و از تنش‌ها و گرش‌ها بکاهد و بر شادی‌ها بیفزاید. گوشش انسانی نیز از آغاز پیدایش مگر این نبوده است که با ابزار دانش بر آگاهی خویش بیفزاید و زندگی را بهبود بخشد.

گمانی نیست که در برخی دوره‌های زیست انسان از دانش(علم) سواستفاده شده است. جایگاه علم در سده میانه و نوزده و بیستم، کلونی(مستعمره)‌گرایی بود، با دستاویزی به خشونت در راستای سود دولت‌های مرکزی و برای رسیدن به سرمایه‌داری صنعتی. روشن است که علم در شمار ابزار کارآمد برای انسان هزاره نو است البته اگر انسان‌دوستانه، محیط‌دوستانه و پاد(ضد)-جنگ باشد.

علم، کشف راز ماهیت اشیا و پدیده‌های اندیشگی است. انسان برای شناخت بیشتر، نیاز است به سرشت و حقیقت اشیا پی ببرد. علم یک‌سری داده‌های مثبت و ریشه‌ای است و دارای بنیادهای استوار و مورد پذیرش همگان. علم هیچ اندیشه و نگره‌ای را بی‌سبب

**بستگی علم، صلح و جامعه**

هر پیشرفتی باید دارای ستون‌های استوار دانش و فرهنگ باشد. پایان‌زایی، کم‌ای به جنگل‌زدایی، برآیند نداشتن نگاه «دانش‌گرا» به طبیعت است. پیشرفت اقتصادی غیرعلمی و ناپایدار دیگر جواب‌نمی‌دهد؛ امروز نسخه‌پیچی یکسان توسعه برای همه کشورها ممکن نیست

«هر جامعه به پرورش روشن‌اندیشانی

نیاز دارد که پدیده صلح‌آوشتی، بنیان اندیشه آنان را شکل داده باشد. علم و دانش نه

پدیدآور تنش، بلکه مرهم زخم مردم خسته از جنگ است.»

«این برنامه سازمان ملل(۱۰ نوامبر) مانند دیگر برنامه‌هایش پیگیری صلح‌آوشتی در ذهن انسان‌ها و کالبد جامعه‌های جهانی است. از دید این سازمان، دست‌یابی به صلح، به دانشمندان آشتی‌جویی نیاز دارد که به ملام به صلح می‌اندیشند و به آمیختن دانش با اخلاق و خرد باور دارند.»

«هر جامعه به پرورش روشن‌اندیشانی

نیاز دارد که پدیده صلح‌آوشتی، بنیان اندیشه آنان را شکل داده باشد. علم و دانش نه

پدیدآور تنش، بلکه مرهم زخم مردم خسته از جنگ است.»

## گزارش

## گزارش

کلاس‌های اینشتین در دانشگاه(در دوران دانشجویی فوق دکترایش) با پیشنهاد چندانی رو به رو نشد و به اندازه انگشتان یک‌دست، سرکلاس‌اش دانشجو حضور می‌یافت.

این دانشمند در دهه ۲۰ از آلمان اخراج شد. نازی‌ها حساب بانکی‌اش را در سوییس بستند و نام‌گذاری اینشتین با دولت

سوتیس، راه به جایی نبرد و دولت، بهانه سامانه بورکاتیک را پیش کشید و خواست اینشتین(این دانشمند همه دوران‌ها) را بی‌پاسخ گذاشت؛ و همه این آوارگی‌ها برای آن بود که

اینشتین، دانشمند آشتی بود.

زمینه شد. روزولت به وی پاسخ داد و همزمان با سپاسگزاری پرزوهی به نام منهنز را به ریاست وی پیشنهاد داد. دستاورد گروه اینشتین، تولید ۳ بمب اتمی بود که یکی از آن‌ها در امریکا آزمایش شد و دو تای دیگر بر روی شهرهای ناکازاکی و هیروشیما فرود آمد، در حالی که هدف دانشمند ما نه سوتیس، راه به جایی نبرد و دولت، بهانه سامانه بورکاتیک را پیش کشید و خواست اینشتین(این دانشمند همه دوران‌ها) را بی‌پاسخ گذاشت؛ و همه این آوارگی‌ها برای آن بود که

اینشتین، دانشمند آشتی بود.

### وضعیت علم در روز علم

# علم در خدمت جنگ یا صلح



خود درخواست توقف بهره‌برداری از انرژی اتمی در جنگ‌افزارهای ارتشی شد. آبا اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان و راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور، اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.

افزایش فشار و یورش به یهودیان

راه‌افتادن سیل مهاجران خارج کشور،

اینشتین نیز ناچار از پناهنردن به امریکا شد و پس از چندی، شهروندی(تابعیت)آن کشور گرفت.































## جانباز زاهدانی به یاران شهیدش پیوست



**شهید و** امور ایثارگران سیستان و بلوچستان با بیان این خبر، افزود: این جانباز سرفراز اسلام سال ۶۵ در دوران جنگ تحمیلی بر اثر اصابت ترکش از ناحیه کمر دچار ضایعه قطع نخاع شد. عباس پلااش افزود: جانبازحاج حسین کیبا که با ویلچر حرکت می‌کرد هنگامی که به عنوان نماینده مدیر کل بنیاد شهید استان برای شرکت در آیین گرامی‌داشت خبرنگار شهید محسن خرابی به مشهد مقدس عزیمت کرده بود بر اثر سرما خوردگی شدید و عفونت ریه، بیمارستان شهید مقدس بستری شد اما با وجود تلاش پزشکان صبح دیروز به جمع یاران شهیدش پیوست. آیین تشییع پیکر پاک این جانباز شهید امروز (سه‌شنبه ۲۹ آبان) از مقابل مسجد جامع زاهدان به سمت گلزار شهدای هشت مصطفی(ص) برگزار می‌شود.

## الف: قوه قضائیه در حال تغییر رویکرد است

سرویس خبر: معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه گفت: دستگاه قضایی در حال تغییر رویکرد با محوریت نگاه ارتقای سرمایه‌های اجتماعی ه‌وست. مسئولان شبکه‌های مختلف تلویزیونی و رادیویی برگزار شد، افزود: تشکیلات و ساختار عمومی دادگستری کشور ما در سال‌های ۱۳۵۶ برگرفته از مدل‌های اروپایی ایجاد شده است. اگر چه در سال‌های اخیر قانونگذار به دنبال ترمیم و تکمیل و به روز کردن آن بوده است، اما ساختار آن به ۹۰ سال گذشته برمی گردد، قوه قضائیه به سعی در شکل و مسامیل آن را رعایت کند. وی گفت: مثلاً قضات در حضور پرونده‌های خانواده درگیر این نبودند که سر فرزند طلاق چه می‌آید؟ همسر مطلقه چگونه قرار است زندگی کند یا مواردی از این دست. اما قضات ما امروز نسبت به گذشته تغییر رویکرد جدی دارند و تلاش می‌کنند نه تنها خود صالح و سزاش بین زوجین ایجاد کنند بلکه از آنها می‌خواهند نظر مشاور را هم دریافت کنند. به گفته معاون اجتماعی قوه قضائیه، کاهش خسونت از زندگی زوجین مهمترین تلاش دستگاه قضایی بوده که با کمک قضات دادگاه‌های خانواده در حال اجراست.

**« جامعه پذیر کردن مجرمان**
او گفت: قوه قضائیه به دنبال مجازات‌های جایگزین حبس است و رئیس قوه قضائیه هم بر استفاده از مجازات‌های جایگزین تأکید دارد تا فردی که بر اثر ارتکاب جرم کم اهمیت وارد زندان می‌شود، دیگر با آموتن روش‌های مجرمانه مانند کلاهبرداری و سرقت، این تجربه‌ها را با خود از زندان بیرون نبرد.
نزد الفت اضافه کرد: شاید در این میان چند نفر به خاطر مجاربه و افسادفی الارض اعدام شوند اما هدف اصلی تربیت انسان است.

وی افزود: روانه زندان کردن سالانه چندصد هزار نفر و سوءپیشینه دار شدن افراد قابل توجهی از ملت قطعاً آسیب‌های جدی بر پیکره جامعه وارد می‌کند و این روز قوه قضائیه قصد دارد تا با هم افزایی با رسانه‌ها، نگاه شایع را محو و تغییر دهد و با استفاده از زبان هنر و ظرفیت رسانه‌ها این تغییر رویکرد را در جامعه اجرا کند.

## دادستان کل کشور ارمنستان از بازداشتگاه اوین دیدن کرد

سرویس خبر: دادستان کل کشور ارمنستان از بازداشتگاه اوین دیدن کرد و از نزدیک بر جریان رسیدگی به وضع زندانیان قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی بازداشتگاه اوین؛ آرتور داوتیان دادستان کل کشور ارمنستان و آرتاشس تومانیان سفیر ارمنستان در تهران به اتفاق هیاتی با هدف آشنایی بیشتر با فعالیت‌های زندان‌های ایران و توسعه تعاملات قضایی میان دو کشور، از بازداشتگاه اوین دیدن کردند.

در ابتدای این بازدید ضمن جلسه‌ای با حضور محبی مدیرکل زندان‌های استان تهران، امیری اصفهانی معاون دادستان کل کشور، حتیجی پور معاون سازمان زندان‌های کشور، چهارمحسنی مدیر بازداشتگاه اوین و جمعی از مسئولان قوه قضائیه توجیهاتی درخصوص فعالیت‌ها و اقدامات انجام گرفته در حوزه‌های مختلف زندان‌بانی، تکریم ارباب رجوع و حقوق شهروندی در زندان‌های کشور و بازداشتگاه اوین به حاضرین در جلسه ارائه شد. مصطفی حجتی گفت: سازمان زندان‌های کشور با شعار زندانبانی اسلامی، انسانی و ایرانی، از ابتدای پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، به مددجویان بدون در نظر داشتن جنسیت، ملیت و قومیت در چارچوب وظیفه خدمت رسانی می‌کند. ما به عنوان متراffic بخش تربیت زندانیان بر این باوریم که فردی که به زندان‌ها وارد می‌شود در طی گذران حبس قبل از بازگشت به جامعه، احساس و بهبود روحیه چهره‌آفرینانه در او خودش تقویت کرده باشد. آرتور داوتیان دادستان کل کشور ارمنستان نیز در این جلسه با تشکر از میهمان نوازی خوب ایرانیان، گفت: در سال‌های اخیر در کشور ما تغییرات اساسی در زندان‌ها و مراکز تربیتی ایجاد شده و به طور مرتب این اصلاحات در جهت حفظ متافع زندانیان و کسانی که دست تقدیر آنها را به زندان گشاده در حال تکمیل است،وری گفت: برای کسی که با حکم دادگاه محکوم به رفتن به زندان است، مهمترین رکن زندگی وی آزادی او سلب شده و در اینجا وظیفه دولت‌هاست که در جهت دفاع از آزادی‌های دیگر آنها مانند آزادی داشتن سلاتنی وخرجه آموزی قدم بردارند.

## عاملان شهادت ۲ مامور ناجا در هرمزگان

### به دام افتادند

سرویس شهرستانها: فرمانده انتظامی استان هرمزگان از شناسایی و دستگیری عاملان شهادت ۲ مامور ناجا و کشف ۲ قیض سلاح جنگی از آنان خبر داد.

عزیزالله ملکی اظهار کرد: در ادامه رسیدگی به پرونده درگیری شرور مسلح با ماموران انتظامی پاسگاه سرتی منباف که سال ۱۳۹۲ منجر به شهادت ستوانیکم «مسعود حیدری» شده بود، دستگیری مهم فراری در دستور کار قرار گرفت،وی افزود: با اقدامات ویژه پلیسی و ایجاد چتر اطلاعاتی در منطقه، عامل اصلی که از اشرار مسلح و سابقه دار متهم به قتل‌های متعدد و شناسایی و با مراقبت شبانه‌روزی، پس از هماهنگی قضایی در یک عملیات ضربتی در مخفیگاهش به همراه ۲ قیضه سلاح کالتشینگ و یک ۱۷۷ در شنگ جنگی دستگیر شد.فرمانده انتظامی هرمزگان اضافه کرد: به موازات این اقدام، سرکشنگ جنکی از شروردگیری که سال ۱۳۷۲ در منطقه هشتیندی، در یک درگیری مسلحانه سبب به شهادت رساندن ستاوریکم «عمود جعفری» شده بود، به‌دست آمد و علیرغم تغییر مکان ملود، در یک عملیات ضربتی مهم دستگیر شد.

## تبدیل مدارس دولتی به هیأت امنایی ممنوع شد

مالی ااداری و شرایط و استانداردهای مورد نیاز تبدیل مدارس عادی به هیات امنایی وهمچنین تشخیص‌های نظارت، ارزشیابی، آموزشی، پرورشی، پذیرش دانش آموز و سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی و ساختار تشکیلاتی اداری توسعه این مدارس را حاذکتر طرف مدت دو ماه با اعضای وزیر ابلاغ کند. گزاین حاکمی است در پی شکایت از ائین مقررده، هیاتع عمومی دیوان عدالت اداری به بحث و بررسی در این زمینه پرداخت و در نهایت پسند ۱۵ ماده ۳ این ماده آیین‌نامه که مورد شکایات شاکلی قرار گرفته، از این قرار است: سازمان مدارس غیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی دستورالعمل‌های اجرایی با

# رئیس قوه قضائیه: بیش از هر زمان دیگری به وحدت مسلمانان نیاز داریم

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه با تأکید بر ضرورت خودداری مسئولان از سخنان دو پهلو که ممکن است مورد سوءاستفاده دشمنان قرار گیرد، از آنان خواست در مورد اظهارات خود دقت کافی روا دارند و در عین حال تأکید کرد که نباید از این موارد به عنوان ابزاری برای وارد آوردن فشار به دولت استفاده شود.

آیت الله آلمسی لاریجانی در جلسه مسئولان عالی قضایی، ضمن تبریک سالاروز آغاز دوران امامت حضرت ولی عصر (عج،) میلاد مسعود پیامبر اکرم(ص) و امام جعفر صادق(ع) را پیشاپیش تبریک گفت و اضافه کرد: میلاد پیامبر(ص) برای بشریت نعمتی بسیار عظیم بوده و زمانی این موضوع تصدیق می‌شود که دشمنان ما و جهان اسلام دائماً به انسان نیاز خود را به حقیقت و باطن هستی و اتصال به مبدأ عالم احساس کند.

وی در ادامه به ابتکار تاریخی حضرت امام (ره) در تأسیس «هفته وحدت، اتحاد و رفاه» برای کشورهای غرب آسیا اشاره کرد و یادآور شد: امروز بزرگترین

دشمن ما برپایه یهودیت و مسیحیت است و در این شرایط، دشمنان با تحریک برخی احساسات قومیتی در تلاش برای صحنه زدن به اتحاد ملت است.

وی با تأکید بر اینکه باید اصل تفاوت را پذیرفت و مش‌کرات را توفیق کرد، افزود: اگر این ۲ اصل لحاظ شود، همه درگیری‌های مذهبی، دینی، قومی، قبیله‌ای و سیاسی خاتمه می‌یابد. یونسی با بیان اینکه جهل، بهانه و تعصب بی دلیل از مهم‌ترین دلایل نپذیرفتن تفاوت‌هاست، اضافه کرد: متفاوت بودن مخلوقات از نعمت‌هایی است که خداوند به بشریت هدیه داده است.

مشاور رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی با اشاره به برخی حوادث تاریخی گفت: یکسان سازی دینی، قومی، مذهبی و نژادی در همه برهه‌های تاریخی محکوم به شکست بوده است. یونسی، اساس پیوند ملی را تحمل یکدیگر اعلام کرد و اظهار داشت: اگر با نگاه کلان و ملی و از منظر ایران دوستی برای حل مشکلات مردم تلاش شود، نتیجه بهتر خواهد بود.

کشیش کلیسای شرق آشور ارومیه نیز در این همایش گفت: رهنمودهای رهبری در مورد حق و حقوق اقوام و ادیان باید سرمشق عملکرد مسئولان قرار گیرد.

داریاوش عزیزیان با اعلام اینکه همه اقلیت‌های دینی در سایه نظام جمهوری اسلامی، کنار یکدیگر در ایران با هویتی زندگی می‌کنند، کرد: زیبایی امروز ایران را مدیون تنوع اقوام و ادیان و زندگی برادرانه آنان کنار یکدیگر هستیم. وی با اشاره به اینکه همه کتب آسمانی مخالف بدبینی و تفرقه بین‌انسان‌های آزاده هستند، اضافه کرد: تفکر بدبینانه اقدام به تفرقه افکنی می‌کند.

## بررسی حق بیمه جانبازان در دیوان عدالت اداری

سرویس خبر: مصوبه دولت مبنی بر پرداخت حق بیمه جانبازان در دیوان عدالت اداری خارج از نوبت بررسی و اگر مغایر قانون باشد، ابطال می‌شود.

حجت الاسلام والمسلمین غلامحسین محسنی اژای در حاشیه جلسه عالی مسئولان قضایی افزود: دولت اخیراً مصوب کرده است که از تخسین روز آبان اسال هر دستگاهی خود باید بیمه جانبازان را بپردازد، که پیش از این بنیاد شهید این حق بیمه را پرداخت می‌کرد اما اکنون آیین نامه اصلاح شده و گفته‌اند که هر دستگاه باید حق بیمه جانبازان را خودش بپردازد.

وی گفت: دولت در نیمه دو سال مسال قرار داریم و این مصوبه مشکلات جدی کم برای جانبازان و هم برای دستگاه‌ها پیش آمده است چرا که این موضوع پیش بینی نشده بود و قراردادهایی که با بیمه‌ها بسته بودند اکنون باید تجدید نظر و قرارداد جدیدی ایجاد شود. در این خصوص در جلسه اخیر بحث شد که چگونه باید حق بیمه پرداخت شود.

ایسن بود که آیا این مصوبه دولت مغایر قانون است یا نیست و قرار شد دیوان عدالت اداری این موضوع را بررسی کند و اگر چنانچه مغایر قانون است این مصوبه باید ابطال شود اما اگر مغایر نباشد، دولت موظف است که در مهلت تعیین شده، آن را اصلاح کند.

سرویس خبر: یکی از متهمان فراری پرونده دکل نفثی که در یکی از کشورهای اروپایی به سر می‌برد، به کشور بازگشت.

به گزارش ایرنا، «م. ن» از متهمان پرونده دکل نفثی و از خوش‌نوازان متهمان این پرونده است که در یکی از کشورهای اروپایی به سر می‌برد و پوله‌ها نیز به حساب او واریز شده بود.این فرد در هلند تاسیس

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

کرده بود و با یک شرکت تاسیسات دریایی در زمینه تامین دکل‌های حفاری همکاری می‌کرد.

گفته می‌شود پوله‌ها برای خرید دکلی که از آن به عنوان دکل گمشده یاد می‌شود، به حساب «م.ن» واریز شده بود.

این فرد از همان ابتدای تشکیل پرونده دکل نفثی در خارج از کشور به سر می‌برد و آن طور که علیرازه

















## عصبی‌ترین مردم را بخندانیم!

وحیدخانه ساز



تلویزیون همواره تلاش کرده با تولید آثار درخور و با کیفیت، مخاطبانش را راضی نگه دارد. هرچند این روند همواره با کاستی‌های بسیار مواجه بوده و حال نیز هجوم انواع رسانه‌های بصری و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای، این وظیفه مهم را خطرتر کرده است.

پس لازم است که مسئولان و برنامه‌سازان با دقت بیشتر به تولید آثار مختلف بپردازند، بلکه از این طریق بتوانند مخاطبان تلویزیون گریز را پای گیرنده هاشان بنشانند و به اصطلاح، آنها را بارسانه‌ملی آشتی دهند.

اما در حال حاضر ایجاد این رغبت در مخاطب، بسی دشوارتر از پیش است و صبر، حوصله و وسواس بسیاری را از سوی مدیران و برنامه‌سازان می‌طلبد. زیرا همانطور که همگان می‌دانند، نابسامانی‌های اقتصادی و تورم بیش از حد، زندگی مردم را تحت تاثیر قرار داده و باعث شده تا هموطنان ما عصبی‌ترین مردم باشند که در این زمینه، گوی سبقت را از دیگر کشورهای نیز برده‌ایم.



بنا به همین دلایل، لازم است که برنامه‌سازان، نگاه ویژه‌ای به آثار کمدی داشته باشند و مانند دهه‌های گذشته، سریال‌ها و برنامه‌های طنز بیشتری را تولید کنند و کمتر به سوژه‌ها و موضوعات تلخ اجتماعی بپردازند، تا به این ترتیب، لبخندی هرچند کمرنگ بر لب مخاطبان بنشانند.

البته پرداختن به حقایق جامعه و انعکاس شفاف و بی‌طرفانه اخبار، یکی از بزرگترین مسئولیت‌های رسانه ملی است. اما با این حال لازم است تا مردم غمگین این روزها را با تولید آثار طنز به خنده وا داریم، که گرچه سخت است، اما امکان‌پذیر و شدنی است.

به هر روی، مسئولان فراموش نکنند که مخاطبان تلویزیون، مردمی هستند که طی این سالها سختی‌های بسیاری را از سر گذرانده‌اند. از هشت سال جنگ تحمیلی گرفته تا تحمل تحریم‌های سنگین اقتصادی و بلاای طبیعی و هزار اتفاق دیگر. مسئولان عزیز، برنامه‌سازان گرامی، مردم را دریابید..... آنها حالشان خوش نیست.



درسی نبود هر آنچه در سینه بود  
در سینه بود هر آنچه درسی نبود  
صد خانه پر از کتاب سودی ندهد  
باید که کتابخانه در سینه بود  
«لادری»!

## با یادکردی از شادروان روح‌الله خالقی

### سرگذشت موسیقی ایران، واقعیت یا حقیقت؟



محمدرضا ممتاز واحد

شناخت این قواعد با تحصیل علم و تجربه حاصل خواهد شد، ولی به‌زعم راقم این سطور، این «نگاه تاریخی» ذاتی و کمتر اکتسابی است. خالقی حایز این دیدگاه تاریخی بود و چه‌بسا که اگر وی بجای تحصیل در رشته ادبیات، تاریخ می‌خواند دیگر کمتر به سراغ ساخت و تنظیم ملودی‌های منظوم و موزون می‌رفت و فقط و فقط «تاریخ» می‌نگاشت و به‌تاریخ و تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری می‌پرداخت. کتاب سرگذشت موسیقی ایران، میراثی مکتوب

و قرائن درون‌متنی و زیرمتنی تطبیق دهد». (سجادی، ۱۳۹۴)  
پرواضح است که شادروان «روح‌الله خالقی» (۱۲۸۵-۱۳۴۴/۰۸/۲۱) هر چند که به‌وقایع‌نگاری و شرح‌حال‌نویسی اهتمامی تام داشت، ولی به‌هر صورت تخصص اصلی ایشان «تاریخ‌نگاری» نبود و اینجاست که صعوبت کار مورخان حوزه موسیقی بیش از پیش مبرهن می‌گردد که - هر چه بیشتر و بیشتر - رویکرد معمول موجود را از «تاریخ‌نگاری» به «تاریخ‌نگاری»



از ارثیه‌ای نامکتوب است که وقایعات بسیاری را ثبت و بیان داشته است؛ حال این‌که، کتاب مذکور تا به‌جه میزان از حقایق را عنوان داشته - خود- موضوع قابل کنکاش دیگری است ولی از این مهم نمی‌توان غافل شد که اهمیت این جهاد قلمی و امثال آثار نوشتاری از این دست، به‌این دلیل است که سعی داشته و دارند که موسیقی‌دانان را از قرن‌ها تحقیر تاریخی برهاند و این خودموضوع کمی نیست.

منابع:

— سجادی، سیدصادق. ۱۳۹۴. نگاه بی‌طرفانه برای ایران از منظر ایرانیان (گفت‌وگو: حمیدرضا محمدی). بازشر در سایت مرکز دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی: ۲۶ خرداد. (این مصاحبه نخست در روزنامه شرق منتشر شد.)

مغایر و متمایز نمایند. و اما یکی از مصائب تاریخ‌نگاری در حوزه هنرهای شفاهی و سنتی ایرانی از جمله موسیقی (که از قضا ماهیتا خود هنری شفاهی است و ارباب فن آن نیز برخلاف برخی هنرها از جمله خوشنویسی، اساساً با مکتوبات بیگانه‌اند)؛ تعدد، تکثر و تلون آراء و نظرات است. «یکی از مشکلات تاریخ‌نویسی، نه در ایران بلکه پدیده تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نویسی، تعدد تلقی‌ها و دیدگاه‌ها نسبت به‌حوادث، اشخاص، سلسله‌ها، ادوار سیاسی جهان و سرزمین‌هاست. بنده ممکن است از یک منبع استنباطی کم‌شخص دیگری استنباطی متفاوت و حتی متناقض با آن داشته باشد؛ ولی با این حال، قواعدی وجود دارد که براساس آنها می‌شود به‌حداقل نگاه تاریخی دست پیدا کرد». (سجادی، ۱۳۹۴)

اصولاً «تاریخ‌نگاری» در بین ایرانیان، سنتی نامألوف و نامتناول بوده است و از آنجا که شیوه نقل تاریخ این دیار - اغلب - بر پایه شفاهیات صورت می‌گرفته و می‌گیرد، فعالیت‌های مکتوب در این حوزه، آنچنان پررنگ نبوده و نیست. مصداق توضیحات فوق، هنر قدیمی «نقالی» است که از شیوه‌های نقل تاریخ در ایران و برخی از کشورهاست و نکته مهم‌تر آن‌که نقالی‌ها - اغلب - آمیخته با قصه و افسانه هستند و متأسفانه، داستان‌سرایی و افسانه‌پردازی در نقل قول‌های تاریخی ما - حتی در فرمت مکتوب آن - نیز رخنه کرده است. حال، با چنین شرایطی که کلیت «تاریخ» و «تاریخ‌نگاری» در این ملک با خلاء و وخامتی خودخواسته روبروست؛ «موسیقی» و «تاریخ موسیقی»، حایز وضعیتی به‌مراتب اسفناک‌تر است. نخست از این جهت که موسیقی در بالاترین سطح فقهی هزار و چندصد ساله‌ای سرگردان بوده و هست و دیگر آن‌که، موسیقی ایرانی خود هنری شفاهی است و این هنر و تاریخ مجهول و مبهم‌ش، تاریخ و تاریخ‌نگاری را بسیار سخت برمی‌تابد. حال با این اوصاف موسیقیدانی اهل قلم و متعهد و رسالت‌مدار به‌تاریخ و فرهنگ کشورش، با عزمی جزم، نگارش سرگذشت پر رمز و رازی را پی گرفت که رازوارگی اش - شاید - بیشتر در بیان واقعیت بوده تابیان حقیقت.

اهالی نگارش و پژوهش واقف‌اند که «واقعیت» و «حقیقت»، هر چند در مرز ممیزهای به‌اندازه یک‌تار موی هم‌نشین‌اند، ولی گاه تا فرسخ‌ها با یکدیگر پشت‌نشینند. این نکته را نیز نیابستی فراموش ساخت که حقیقت، حداًعلائی واقعیت است و نکته جالب و تلخ این‌که در تاریخ ما (به‌طور اعم) و تاریخ موسیقی‌مان (به‌طور اخص)، وقایعات هر چند ضد و نقیض بیان شده‌اند، اما بسیاری از حقایق هنوز ناگفته و شاید ممنوع‌البیان باشند. پس وقتی که، به‌طور مثال، قضیه هدیه پارچه ماهوت توسط خواجه هامبارتسوم به‌جناب میرزا حسینقلی را در کتاب «سرگذشت موسیقی ایران» می‌خوانیم، بایستی با عقلائیتی منتقدانه [تر] او شکاکیتی مفتشانه‌وار، موارد را با مدارک موجود تطبیق دهیم و اینجاست که کار حرفه‌ای یک مورخ نمودی عینی می‌یابد. «... کار مورخ فقط این نیست، که از متن، مطلب بیرون بکشد. مورخ باید این مطلب را با شواهد

## پای صحبت‌های «محسن رزاقی» درباره نمایشگاه گروهی تصویرسازی در گالری مژده

### ۲۰ نگاه متفاوت به کلاغ



آزاده خیرآبادی، زیباذکر، محسن رزاقی، الهام شایانفر، مریم شاهورانی، آسان صادقی، عطیه ضیغمی، پریسا طالع‌زاده، الهه فرمانیان، پیمان مبارکی، امیرمحمدخانی، حمیده معتمدفر، سارا نوروزکرمانشاهی و سیمین هنرور، به نمایش گذاشته شده است. در ارتباط با برگزاری این نمایشگاه پای صحبت‌های «محسن رزاقی» یکی از تصویرگران این مجموعه می‌نشینیم.

بقیه در صفحه ۵

نمایشگاهی با عنوان «کلاغ: ۲۰ تصویر، ۲۰ روایت»؛ مجموعه آثاری از گروه تصویرسازی «امیدا» است که از ۲۵ آبان تا ۲ آذر در گالری مژده به تماشای عموم علاقه‌مندان درآمده است.

در این نمایشگاه، تصویرسازی‌هایی با محوریت «کلاغ» با آثاری از مریم ارشادی فارسانی، معصومه اعتبارزاده، بهدخت بهروزی، هاله توکلی، گلناز خانعلی زاده،



نگاهی به رمان «رخساره»، نوشته شهرزاد فخر

با دکتر دینانی در جهان مولانا

۷



## کیسای عشق

گفتگو از: کریم فیضی

مولوی به مکتب عرفانی خراسان بزرگ تعلق دارد در حالی که ابن عربی به مکتب عرفانی بغداد وابسته است. خراسان سرزمینی است که خورشید معرفت در آنجا درخشیده است و بزرگانی در رشته‌های مختلف معارف اسلامی به ظهور رسیده‌اند. ما اکنون در باب فقه و حدیث و اصول و کلام سخن نمی‌گوئیم. به فقها و متکلمان و اهل حدیث نیز اشاره نمی‌کنیم، ولی شمار بزرگانی که در باب عرفان و تصوف سخن گفته‌اند و آثاری از خود به یادگار گذاشته‌اند، شگفت‌انگیز است. مراجعه به کتاب «تذکره‌الاولیاء» شیخ عطار - که خود از سرزمین خراسان است - شاهدهی قوی بر این مدعا به شمار می‌آید. مولوی به پیش کسوت بودن سنایی و عطار اعتراف می‌کند و آنها را از بزرگان اهل عرفان می‌شناسد.

وقتی از عرفان خراسان سخن می‌گوییم و به تفاوت میان عرفای این سرزمین و عرفای مکتب بغداد اشاره می‌کنیم، منظور این نیست که عرفان در یک روش و متد مخصوص خلاصه و محدود می‌گردد، زیرا عرفان ضمن این که یک طریق است و راه سیر و سلوک به سوی حق تبارک و تعالی شناخته می‌شود، مانند علوم رسمی، روش و متد مخصوص ندارد. عارف در خلوت خود به نوعی بینش درونی دست می‌یابد و شهود باطنی با آنچه در علوم ظاهری و رسمی مطرح می‌شود، تفاوت دارد. علوم رسمی چارچوب دارند و در یک دستگاه معینی شکل می‌پذیرند، در حالی که مقامات عرفانی و مراحل سیر و سلوک یک عارف، یک دستگاه نیست که مردم بتوانند به آن دست یابند.

جلال‌الدین مولوی بلخی عارف بزرگ و دریادلی است که همانند اقیانوس هر لحظه موجی بزرگ می‌آفریند و هر موجی در آن با موج دیگر تفاوت دارد. امواج بزرگ و کوچک، همواره در سطح دریا دیده می‌شوند ولی این امواج در اعماق اقیانوس ریشه دارند و از ژرفا شکل می‌گیرند و به ظهور می‌رسند. مولوی [همچنانکه اشاره کردیم] هم به صورت نثر سخن گفته و هم در قالب شعر افاضات داشته است. در افاضات شعری او نیز هم غزل وجود دارد و هم رباعی و البته کتاب با شکوه «مثنوی» او سبک مخصوص خود را دارد که همان سبک مخصوص «مثنوی» شناخته می‌شود. شور و حال مولانا بیشتر در غزلیات او تجلی پیدا کرده و برای اهل حال قابل مشاهده است. او در رباعیات خود نیز به بیان حقایقی پرداخته است که آن حقایق و مطالب با قالب رباعی مناسب داشته است و ما در این کتاب به تفسیر رباعیات مولانا پرداخته‌ایم و گوشه چشمی هم به «نی نامه» در کتاب «مثنوی» داشته‌ایم؛ کتابی که یکی از جامع‌ترین و پرشکوه‌ترین کتاب‌های عالم در زبان فارسی به شمار می‌آید، و مولانا هرآنچه در دل داشته و می‌خواسته آن را بگوید، در آن به منصه ظهور و بروز رسانده است.

کتاب جامع «مثنوی» به‌رغم تنوع و گوناگونی مطالب، از نوعی وحدت و انسجام برخوردار بوده، در واقع بیان حکایات و شرح شکایات‌ها شناخته می‌شود. در شکایات‌ها، شرح هجران و ناله فراق و درد و دورافتادگی از اصل به گوش می‌رسد و در حکایات‌ها، چرایی و جدا شدن و چگونگی دور افتادن و امیدواری بازگشت به اصل به بیان می‌آید. در این حکایات‌ها و شکایات‌ها غم و شادی به یکدیگر پیوند پیدا می‌کنند و انسان با درک و دریافت این دو پدیده، در هستی خود به زندگی ادامه می‌دهد.

کمتر کسی را می‌توان یافت که غم را تجربه نکرده و از شادی و شوق برخوردار نشده باشد. اگر در این عالم غم نبود، شادی تحقق نمی‌پذیرفت و اگر شادی وجود نداشت، غم معنی پیدا نمی‌کرد. شاعری خوش‌ذوق به همین مسئله اشاره کرده، آنجا که می‌گوید:

گر غم نبود، چهره دنیا صفا نداشت

شادی نبود و این همه برق و ضیاء نداشت

ادامه دارد

## زندگی زیر سقف آرزوها

بی حوصله و کسل بودم. اما ترجیح دادم همراهشان بروم، شاید حال و هوایم عوض شود و فکر و خیال، چندساعتی رهایم کند. سرتاسر دشت پر از خانواده‌هایی بود که گوشه به گوشه آن، زیرانداز انداخته بودند و به سیزده به در آمده بودند.

دایی صادق کنار رودخانه، زیر درختی زیبا، جایی پیدا کرد و همان جا نشستیم. بچه‌ها بی خیال هم می‌دویدند و بازی می‌کردند. یاد سیزده به در دو سال پیش افتادم. آن سال بر خلاف همیشه که به باغ بهادرخان می‌رفتیم، قرار شد سیزده به در را همراه خانواده خاله شمس به پل خواجه برویم.

جمعیت زیادی آمده بودند و همه جا غلغله بود. هر کس در حاشیه رودخانه و زیر دهانه پل، هر جا که خالی بود، بساط پهن کرده بود. بهادرخان هم از صبح پدرم را فرستاد تا زیر یکی از تاقی‌های پل، جای مناسبی پیدا کند.

نزدیک ظهر بود که همگی راهی شدیم. منظره پل خواجه با آن معماری فوق العاده که باعث می‌شد آب زاینده رود، هنگام عبور از دهانه پل، به صورت آبشارهای کم ارتفاع در بیاید و حالت خروشان آب در طرف دیگر پل، آن قدر چشم نواز بود که انسان را به وجد می‌آورد...

###

رمان «رخساره»، نوشته شهرزاد فخر توسط انتشارات آرینا به بازار کتاب آمده است. این رمان در باره دختری به نام رخساره است. دختر صدیقه

و مش عبدالله، خدمتکاران ارباب بهادرخان. هنگام عروسی ارباب، این دو خدمتکار که تازه از ده به شهر اصفهان آمده بودند، توسط میرزا احمد، پدرزن ارباب، به عنوان سرجهازی عروس به ارباب پیشکش شدند.

یک ساختمان در انتهای باغ ارباب به این دو خدمه داده شد و زندگی تازه‌شان را آغاز کردند. پس از مدتی آنها صاحب فرزند دختری شدند و نامش را رخساره گذاشتند. همان زمان هم ارباب صاحب دومین فرزند شد که نامش را ثریا گذاشتند.

رخساره و ثریا با هم بزرگ شده و همراه با حسام پسر ارباب، جمع کوچکی را تشکیل می‌دهند تا عملاً رخساره به یکی از اعضای خانواده ارباب تبدیل شود. در سال‌های بعد، عشق در خانه دل‌های حسام و رخساره را می‌کوبد و آتش به جان خانه ارباب می‌اندازد تا قصه‌ای از تمنای عشق و مخالفت ارباب شکل بگیرد و سیلی خانمان سوز به راه بیفتد.

نویسنده در این رمان با قلم خاص خودش، فضاسازی آرمانی یک درام اثر گذار را به خوبی انجام داده و داستانی خواندنی و قابل تامل را خلق کرده است و راوی داستان را هم «رخساره» دختر مش عبدالله خدمتکار قرار می‌دهد:

من و حسام و ثریا با هم بزرگ شدیم. هر چند که آنها فرزندان ارباب بودند و من دختر خدمه خانه، ولی هیچ وقت فاصله‌ای بین خودم و آن‌ها احساس نکردم...

شهرزاد فخر می‌گوید: متولد سال ۱۳۵۶ هستم و ساکن اصفهان. رؤیای بزرگ کودکی ام این بود که روزی نویسنده شوم، اما خانواده ام مرا تشویق به تحصیل در رشته پزشکی می‌کردند، ولی از دانشکده هنر در رشته تئاتر سردرآورد. با خواندن رمان و داستان، در کنار تحصیل، آرام آرام رؤیای کودکی ام تحقق پیدا کرد و در سال ۱۳۸۶ رمان «آبی تر از عشق» را نوشتم که استقبال خوبی از آن شد و مرا تشویق به ادامه نوشتن کرد.

این استقبال منجر به نوشتن رمان دوم شد و چون وقایع داستان در دهه چهل می‌گذشت، تحقیقات زیادی انجام دادم تا اینکه رمان «رخساره» متولد شد و با انتشار آن توانستم پاداش زحماتم را بگیرم. در حالی که داستان نوشته بودم، اما خیلی‌ها فکر می‌کردند یک سرگذشت واقعی را شرح داده‌ام...

در ادامه رمان «رخساره» چنین می‌خوانیم:

روزهایی مثل امروز که سرشار از حس قشنگ نوجوانی ام، موهایم را باز می‌کنم، ولی با شنیدن صدای پای حسام از این کار منصرف می‌شوم. تازگی‌ها صدای پای حسام گونه‌هایم را گلگون می‌کند. آهسته گوشه پرده را کنار می‌زنم و نگاهش می‌کنم.

هنگامی که خانم والا با بهادرخان ازدواج کرد و پا به آن خانه اعیانی گذاشت، میرزا احمد پدر خانم والا به عنوان سرجهازی عروس، پدر و مادرم را که تازه از ده آمده بودند، به خانه بهادرخان فرستاد. مادرم بیشتر از آن که مستخدم خانه باشد، همدم و مونس خانم والا یازده ساله بود.

خانم علاقه عجیبی به مادرم داشت و او را مثل خواهرش می‌دانست. روابط آن دو چنان خوب و صمیمانه بود که باعث شد من از همان کودکی، آنجا را خانه خود بدانم و کاملاً راحت باشم. برعکس خانم والا، بهادرخان مرد جدی و سختگیری بود، ولی همه می‌دانستیم که پشت آن چهره عبوس و خشن، قلب رئوف و مهربانی دارد.

من و ثریا به فاصله سه ماه به دنیا آمدیم و به همین خاطر تمام امکاناتی که برای ثریا وجود داشت برای من هم فراهم بود. در دوران کودکی هیچ‌گاه کمبودی احساس نکردم و تا حالا که چهاردهمین بهار زندگی را پشت سر می‌گذرم، کلا از زندگی ام راضی هستم.

اوایل آبان ماه بود و هوا سرد شده بود. صدای خش خش جاروی پدرم از ته باغ به گوش می‌رسید. عمداً پایم را روی برگ‌های خشک و زرد می‌گذاشتم و از صدای خرد شدنشان لذت می‌بردم. خیلی سعی می‌کردم مثل یک خانم رفتار کنم.

به حوض گرد وسط باغ که رسیدم، چندتایی برگ زرد روی آب شناور بود. خم شدم و یکی از آنها را از آب گرفتم. از برخورد خنکای آب با انگشتانم مور مورم شد و حس قشنگی زیر پوستم دوید.

به ورودی عمارت که رسیدم، صدای زیر و نازک ثریا به گوشم خورد. سرش را از پنجره اتاقش در طبقه دوم بیرون آورد و با شیطنت همیشگی اش گفت: به به رخساره خانوم، خبر می‌کردین گاوی، گوسفندی، حسامی چیزی سر می‌بریدیم.

وارد سرسرا شدم و از پله‌ها بالا رفتم. در اتاق ثریا نیمه باز بود و صدای خانم والا به گوش می‌رسید. تلنگر کوچکی به در زدم و داخل شدم. انیس خانوم خیاط، مشغول اندازه‌گیری از خانم والا بود. خانم هم با آن هیکل تیل مپلش مثل مجسمه دستانش را از هم باز کرده و وسط اتاق ایستاده بود. مثل همیشه با خوشرویی جواب سلام را داد. انیس خانم نگاهی به من کرد و گفت: رخساره تویی؟ ماشاله چقدر خانم شدی. چند وقته ندیدمت؟

گفتم: شب عید بود که زحمت کشیدین و برام لباس دوختین. انیس خانم در حالی که اندازه خانم والا را می‌گرفت، رو به من گفت: ولی اون موقع خیلی بچه تر بودی. تو این چند ماهه خیلی عوض شدی. فکر کنم وقته که صدیقه داماددار بشه...

من خیلی زود فهمیدم که با حسام و ثریا فرق دارم. ولی در دوران کودکی هیچگاه این تفاوت آزارم نداد و باعث ناراحتی ام نبود. از زندگی در آن باغ سرسبز با درختان چنار کهن و سربه فلک کشیده لذت می‌بردم و دو اتاق کوچک مان در ته باغ قشنگ‌ترین جای دنیا بود.

حسام و ثریا همبازی‌های خوبی بودند و دنیای کودکی ام را پر می‌کردند. ولی حالا همه چیز آزارم می‌داد. حتی محبت‌های خانم والا که سعی می‌کرد هیچ فرقی بین من و ثریا قائل نشود و به خاطر این رفتار، من همیشه بهترین لباس‌ها را می‌پوشیدم و خوش‌ترین لحظات را می‌گذراندم.

تقریباً وقت نهار بود که پدرم خسته و کوفته آمد، گوشه اتاق نشست و به پشتی قرمز رنگی که مادرم گلدوزی اش کرده بود، تکیه داد. زیر لب سلام کردم و به اتاق رو به باغ رفتم. چند دقیقه بعد مادرم با سینی غذا وارد شد. بوی خوش قورمه سبزی در فضا پیچید. دستپخت مادرم حرف نداشت و همه اهل منزل به این موضوع معترف‌اند...



محمدرضا شهزاد فخر





اکبر اکسیر |

مجموعه هایکوهای علی پرچمی / «آن سوی مرز مرگ» / فصل پنج / ۱۳۹۶

## سنجاقکی ایستاده بر آب

است. حال مجموعه ای از ۱۲۱ هایکوی خود را با عنوان «آن سوی مرز مرگ» از سوی انتشارات فصل پنجم به دوستان این نوع شعر تقدیم نموده که امید است مورد توجه شعر دوستان واقع شود.



چند نمونه از هایکوهای علی پرچمی جهت قضاوت تقدیم می‌شود:

\* خاموش / بر سر و بُنی خشک / زنجره ای خیس  
\* شامگاه بهار / کتاب گشوده سهراب / عطر علف

\* در سنجاقکی ایستاده بر آب / خیره راهب پیر .  
\* شبنم ثُردش را بر خاک می گذارد و / قد، راست می کند / علفی خرد.

\* جاری رود / بر سایه اش آرام دور می شود / سنجاقک سرخ.

شعر کوتاه ژاپن، معروف به هایکو، در مرز پرگهر ما، های و هوایی بیش نیست. «علی پرچمی» شاعر آن سوی مرز مرگ را که به ابراهیم گلستان تقدیم شده است، اقرار می کند: «شعرهایی که در ایران به نام هایکو چاپ و منتشر می شود، هایکو نیست.

چرا که مختصات هایکو را ندارد، نه لزوم تقید به حضور فصل واژه / نه الزام ناممکن بودن خوانش بندها در یک خط / نه تقید به نوشتن از اینجا و آنجا / نه منع استفاده از وجه استمراری فعل / نه لزوم توصیه به استفاده از تصاویری که برانگیزاننده انزوای خود خواسته / نه نا مقدور بودن استفاده مستقیم از مضامین انسانی / نه لزوم تصویر محض بودن شعر / نه لزوم پرهیز از اشاره مستقیم به خود / نه منع تمثیل و استعاره و تشبیه / نه لزوم پاسخ گفتن شعر به پرسش های سه گانه (کی، چه و کجا ؟) / نه لزوم پرهیز از ضمائر خاص / نه منع راه یافتن پاره ای مضامین به هایکو و نه بسیار باید و نباید دیگر ... نخستین بار «شیکی» در اواخر قرن نوزدهم هوکو را که مطلعی است از توالی زنجیروار شعری به نام هایکایی به تمامی از فرم به هم پیوسته گسست و آن را هایکو نامید.....

او که سخت متأثر از فرهنگ غرب و نقاشی های امپرسیونیستی بود با پای فشردن بر این باور که شعر، تجربه فردی و واقع گرایانه است، آن را از آموزه های بودیسم رها نید. رهیافت نوآورانه او به همت شاگردانش دنبال شد و بعدها هایکوی نو نام گرفت. او از هفده هجایی بودن و تصویر (ایماژ) سراز زد و از مضامینی چون جنگ، معضلات اجتماعی و حیات مدنی سخن گفت...»

علی پرچمی با این مقدمه جامع و موجز با ذکر منابع و مآخذ معتبر، هایکو می سزاید و دستی در ترجمه هایکو دارد. او هایکوهای «باشو» و گزینه شعر نسل دوم هایکو سریان ژاپن را چاپ و منتشر کرده

و آوازی ترانه های قدیمی

عباس مهرپویا و جنجال مرگ قو در ادبیات ایران - ۶

## مهرپویا در کلبه سرخ پوست ها

در بسیاری از مجلات آن روزها به چاپ می رساند.

**مهرپویا در کلبه سرخ پوستان**

مهرپویا علاوه بر موسیقی از سال های نوجوانی به هنرهای دستی و دکوراسیون بسیار علاقه مند و همواره در پی خلق و ساخت کارهای نو و تازه بود. اولین نمایش خلافت اش را در ساخت کلبه سرخ پوستان بومی آمریکا در تهران در معرض دید همگان گذاشت که در آن سالها با استقبال ویژه ای روبرو



عباس مهرپویا در کلبه سرخ پوستان

در آخرین بخش از مروری بر ترانه ها و زندگی عباس مهرپویا، شمارا با برخی از وجوه ناشناخته و پنهان مانده او و آلبوم هایش آشنا کرده و نخست به جهانگرد بودن او اشاره می کنم.

وی به دلیل یکنواختی موسیقی پاپ ایرانی و علاقه به موزیک و فرهنگ های دیگر کشورها سفرهایی را برای گردآوری اطلاعات جدید و جامع در زمینه های موسیقی و هنر ملل مختلف آغاز کرد و به کشورهایی چون مصر، بلژیک و کشور هندوستان سفر کرد. او بعد از ماهها زندگی در هند و آموختن ساز سینار در نزد بزرگان آن دیار، و آشنایی با فرهنگ و آداب رسوم خاص و گوناگون این کشور پهناور و شگفت انگیز با دستی پر از مطالب جالب و تصاویر به ایران بازگشت.

از جمله این مطالب، آشنایی با رقص سنتی و مذهبی (کاتا) و ملاقات و مصاحبه با هنرپیشه و رقصنده معروف هندی «ویجنتی مالا» در این رشته بود. او سپس سفرهایش را به کشورهای دیگری از جمله: آفریقا، ژاپن، چین، آمریکا، جزایر هاوایی، جزایر ساموآ، فیجی، بریتانیا، جزایر سلیمان، اسپانیا و تهیه گزارش هایی از گرومیان آفریقایی، سرخ پوستان و غیره ادامه داد و ضمن دیدن هر سرزمینی که می رفت، به ایده هایی نو و تازه برای کارهای هنری خود، به خصوص در زمینه موسیقی و کارهای دستی نیز دست پیدا می کرد و تعدادی از مطالب تهیه شده و عکس ها به صورت مقاله

\* بر چنگک قصاب / دو گوسفند / خیره به سایه هم .  
\* بی اعتنا به موج و تندر و خیزاب / زورقی نشسته به گل.

علی پرچمی در ادامه تعریف ها و ویژگی های هایکوی دیروز و امروز اضافه می کند که: «امروزه اغلب ویژگی ها در هایکو اجرانمی شود. وجه مشترک همه هایکو ها در دو اصل اساسی خلاصه می شود: ایجاز (آن هم نه در کوتاه ترین که در ضروری ترین وجه ممکن) و برخورداری بودن از جوهره شعری که از آن به روح هایکو تعبیر می شود و حضور و غیابش در شعر، بی گمان به تیزی و تیز اندیشی شاعر در سود جستن از احساس و اندیشه پرورده وابسته است و هم در توان ترسیم دستاوردهای این دو مهم در خلق ایجازی لازم به امداد واژگان»

\* تنگ در آغوش دو کوه / بستر خشکیده رود.  
\* شب تابستان / بی وقفه یکی حرف می زند / زنجره فریاد.  
\* در سسکوتی ژرف / بر گور سنگ سرد / مورچه ای شتابان می گذرد.

علی پرچمی در ادامه راه پرویز شاپور، راه خود را می رود. تکرار زیبایی در تصاویر و فصل واژه ها به همراه ایجاز هزار تو، خبر از شناخت دقیق شاعر از تکه شعرهایی دارد که می توان به فرمایش امیدوار شد (راستی چه می شد. شاعران به جای هایکو از تکه شعر استفاده می کردند. تکه شعرهایی از کارهای پرویز بیگی حبیب آبادی در یادمانده است: گوزن، درختی که می دود).

علی پرچمی، با پژوهش های عمیق در هایکو ملل می تواند از کارشناسان و شاعران و منتقدان و مترجمان خاص این ژانر ادبی باشد. بنیاید برای اهتزاز پرچم ظریف هایکو ده عاکنیم!



حسین قرارزند

مهرپویا به عنوان دکوراتوری موفق، در طراحی، تزئین و دکوراسیون داخلی بسیاری از مکان ها و جشن های مطرح در زمان خود همکاری داشت. هنوز هم فضاهایی در تهران موجود است که از طراحی و هنر او بر جای مانده است.

مهرپویا همانند جمعی دیگر از هنرمندان ایرانی، بعد از انقلاب اسلامی از ادامه فعالیت بازماند و کم کم از عرصه موسیقی فاصله گرفت و آموزشگاه موسیقی او نیز پس از مدت کوتاهی تعطیل گردید. اما باز دید از گالری مهرپویا و کارهای دستی او تا سال های آخر حیات وی به طور رایگان ادامه داشت و در این سالها مهرپویا در کسوت سکوت در ایران و در کنار خانواده اش زندگی کرد. سرانجام مهرپویا در ۴ خرداد ۱۳۷۱ در سن ۶۴ سالگی بر اثر ابتلا به سرطان، پس از تحمل دو سال بیماری درگذشت. پیکر او در امامزاده عبدالله شهرری با حضور جمعی از هنرمندان و دوستانش به خاک سپرده شد.

**آلبوم ها و تک آهنگ ها**

از مهرپویا در مجموع چهار آلبوم به صورت کاست منتشر شده است. سه آلبوم با جمع آوری تک آهنگ هایی که در گذشته به روی صفحه گرامافون ارائه شده بود در سال ۱۳۵۵ از شرکت کاسپین در ایران نشر شده، و همچنین یک آلبوم «موزیک بدون کلام» در همان سالها از او منتشر و به بازار عرضه شده است.

معروف ترین این آلبوم ها به ترتیب عبارتند از:

— آلبوم «مرگ قو» در سال ۱۳۵۵ عباس مهرپویا با شعرهایی از دکتر مهدی حمیدی شیرازی، تورج نگهبان، پرویز وکیلی، عادل خلعتبری، معینی کرمانشاهی، کریم فکور، بیژن ترقی.

— آلبوم «افریقان» در سال ۱۳۵۵ با آهنگسازی خودش و شعرهایی از تورج نگهبان، پرویز وکیلی، شهابی، فرامرز امیر ابراهیمی، سلطانپور، وحیدادبی.

— آلبوم «قبیله لیلی» ۱۳۵۵ با آهنگ هایی از خودش و شعرهایی از داریوش روشن، پرویز وکیلی، شهیار قنبری، سیما و حیدادبی، یگانه شاهمیری، محمد بهلول.



دلنوشته های آهان آهان دار

محبوب صالح علا

۵۱

## هر روز قرار مادر بهشت بود!

عاشق ها را عاشق تر می کنند و مجنون را عاقل. یکی می گوید خود ما هم ماهی بوده ایم، از دریا آمده ایم. کم کم نشانی آن باغ را فراموش کرده ایم.

نشانی آن باغ را فقط ماهی ها می دانند. ماهی ها شب های مهتابی در آن باغ ضیافت دارند.

نشانی آن باغ را کسی نمی داند؛ زیرا ماهی ها از خود ردپایی ندارند. نشانی آن باغ را یکی ماهی ها می دانند و یکی عاشق ها.



**محبوب من!** بعضی از شب ها تمام جهان به خوابم می آید و من در میان تمام جهان به دنبال شما می گردم تا شما را ببینم و از شما ببرسم من که هستم.

**محبوب من!** بدترین چیز این است که شاهد رفتن شما باشم. چه خوب که اینجا مانده ایم و تنهایی ام را به سفر فرستاده ایم. اکنون سفر و تنهایی به دنبال مسافرخانه ای می گردند. آیا شما هم مرا مثل آن سال ها به یاد می آورید؟ سال هایی که عصرها من و موتورسیکلم مثل باد به سمت شما می آمدیم.

هر روز قرار ما در بهشت بود. به اتفاق وارد می شدیم. تابستان آنجا خنک بود و در پاییز درخت ها سبز بودند. لطفا شما هم خیال کنید تا دیداری تازه شود. اجازه می فرمایید گاهی خواب شما را ببینم؟

**محبوب من!** شما که می آید، درخت ها از ته دل می خندند. آجر دیوارها، پنجره ها، حتی جغد اخمو، باد بازیگوش، عکس های سیاه و سفید در قاب های کج شده. عکس ها دست روی شانه های هم می گذارند. و از ته دل می خندند.

شما که هستید، دوست ها می خندند. ما به کسی دوست می گویم که دوستش داریم. کاش خانه ای برای غروب ها داشتیم. عاشق ها روی پشت بام ها زندگی می کنند، سرک می کشند و منتظرند.

شما که نیستید، آسمان هم دلگیر است. بالا را نگاه کنید. اخم کرده و عبوس است و بغضی غلیظ دارد. شما که می روید، آسمان هم می رود، ستاره ها می روند، ماه می رود. من می مانم در میان مهتابی بلاتکلیف.

**محبوب من!** کوچه ها، محله ها مثل ترانه ها پیشرفت می کنند. کوچه ای که شما در آن رفت و آمد دارید، اسفالت هایش همه طلا شده است. درخت هایش میوه هایی طلایی می دهد، پنجره ها طلا شده اند. خستگی چه خوب است، پس از آنکه دنیا را به هوای دیدن شما گشته باشم.

ادامه دارد





امیر زرهی

## سلبریتی‌های سینمایی و سینمای سلبریتی

برای خنداندن یا جذابیت ظاهری خود و جلب مخاطب بیشتر و رونق گیشه به سراغ فرهنگ مجازی از جمله خرده فرهنگ های سلبریتی ها برود، نوعی باج دادن سینما به فضای مجازی است و تنزل و تقلیل سینما در ورطه ابتذال که می‌تواند شأن و منزلت فرهنگی و هنری سینما را زیر سؤال برده و دچار آسیب کند.

این که برای خلق یک موقعیت کمیک یا خنده گرفتن از مخاطب، به برخی شیرین بازی های برخی افراد یا به اصطلاح شاخ های اینستاگرامی ارجاع کنیم، به معنای پسروی در سینماست. در واقع منفعل شدن سینما و عدم خلاقیت هنری در تولید و آفرینش سینمایی است. شاید بخشی از این رخداد را باید در ضعف فیلمنامه نویسی در سینمای ایران جستجو کرد که برای پر کردن این خلاء به عوامل فرامتنی پیش پا افتاده رجوع کند.

این رجعت، نه ارجاع به واقعیت های جامعه بلکه نوعی ارتجاع هنری و سینمایی است که موجب می‌شود سینما به جای نقد و تصفیه فرهنگ عامه، به منطق فرهنگ عامه، آنهم از سطحی ترین نوع آن تن بدهد و کارکردهای خود را از دست بدهد. در فیلم دشمن زن، شاهد برخی موقعیت ها یا حتی استفاده از برخی واژه‌ها و اصطلاحاتی هستیم که از میان کم مایه ترین و مبتذل ترین کاراکترهای فضای مجازی شاهد هستیم.

یکی از این افراد شخصی به اسم وحید خزایی است که از رفتارشناسی او در اینستاگرام در شخصیت پردازی یا خلق برخی موقعیت های دراماتیک در این فیلم استفاده شده و او هم در صفحه شخصی خود از این فیلم حمایت کرده. این شکل استفاده سینما از ظرفیت های فضای مجازی، فاقد ظرافت لازم بوده و به تشخیص بخشیدن به افرادی می‌انجامد که نماد بی‌شخصیتی و ضعف فرهنگی در فضای مجازی هستند.

در حالی که سینما باید از طریق هنر غربالگری کرده و به معروف شدن برخی افراد کم مایه و بی‌ریشه دامن نزد. جالب اینکه در خود فضای مجازی و در همین اینستاگرام بسیاری از کاربران با هشتگ «احمق‌ها را معروف نکنیم» تلاش می‌کنند تا از شهرت و سوءاستفاده برخی از این به اصطلاح شاخ‌های اینستاگرامی که سلبریتی‌های مجازی هستند، جلوگیری کنند و این جای تأسف دارد که خود سینما برای جذب مخاطب به سراغ این شخصیت‌ها و کاراکترها رفته و از آنها الگو برداری کند. این الگو برداری‌ها سقوط فرهنگی سینماست!

شاید تا یک دهه پیش، به اندازه امروز، سلبریتی‌ها و فرهنگ سلبریتی اهمیت نداشتند و توسعه شبکه‌های اجتماعی به ظهور قشر اجتماعی تازه‌ای به اسم سلبریتی‌ها دامن زده که از آن گریزی نیست. چه خوشمان بیاید، چه نیاید، در همه جای دنیا با پدیده‌ای به اسم سلبریتی‌های سینمایی مواجه هستیم و این ذاتاً امر بدی نیست. همچنین توجه سینما به این پدیده در تولید فیلم هم نه تنها امر مذمومی نیست که کارکرد سینما را نشان داده و حتی به عنوان یک ضرورت سینمایی قابل طرح است، اما سینمای سلبریتی یا سلبریتی زده که بخواهد سینما را به ابزار یا زبانی نه برای بازنمایی که خودنمایی سلبریتی ها بدل کند، نه تنها مذموم و قابل نقد که نشان سقوط سینما و شأن فرهنگی آن است. سینما بیش از سلبریتی‌ها به سناریوهایی نیاز دارد که بتواند به نمایش و پالایش جامعه بپردازد.



وضعیت مورد بازخوانی قرار داد. یکی اینکه میل سینماگران به سلبریتی شدن، بیش از گذشته شده و به ویژه بازیگران جدید، بازیگری و اساساً سینما را وسیله و راهی برای سلبریتی شدن می‌دانند و بهره برداری از امتیازات آن. انگار سینما برای برخی از آنها دیگر هدف غایی نیست، بلکه راهی است برای سلبریتی شدن!

بر این مبنای سینما به مثابه یک ابزار رسانه ای، نه یک کنش هنری، تغییر ماهیت داده و مخاطب را فراموش می‌کند یا مخاطب را به عنوان ظرفیتی برای شکل‌گیری و رشد فرایند سلبریتی می‌نگرد. از سوی دیگر سینما نیز از فرهنگ و مناسبات سلبریتی ها در تولید متن بهره می‌برد. به این معنا که برخی خرده فرهنگ های سلبریتی که در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی شکل می‌گیرد، به تدریج به فیلمنامه ها و فیلم ها نفوذ کرده و صورتی سینمایی به خود بگیرد.

هم اکنون دو فیلم روی پرده سینماها در حال اکران است که مصداق این سخن است. یکی فیلم «دشمن زن» که در آنجا برخی از خرده فرهنگی‌های سلبریتی‌های حاضر در شبکه اجتماعی، دستمایه خلق برخی موقعیت های کمیک قصه قرار می‌گیرد، نه لزوماً سلبریتی‌ها مشهور که حتی سلبریتی‌های مجازی. همان‌ها که به اصطلاح به آنها شاخ اینستاگرامی یا سوپرستاره‌های مجازی نیز گفته می‌شود.

در فیلم «جشن دل‌تنگی» هم اساساً به شبکه‌های اجتماعی و خرده فرهنگ‌های حاکم بر آن پرداخته می‌شود که باز در بخشی از فیلمنامه یا موقعیت های دراماتیک آن از المان ها و مؤلفه هایی که بر ساخته فضای مجازی و سبک زندگی سلبریتی هاست، استفاده شده است. این که سینما به این مقوله به عنوان یک واقعیت اجتماعی بپردازد، نه تنها جای نقد نیست که کارکرد نقادانه سینما را به عنوان یک رسانه نشان می‌دهد؛ اما این که سینما

ظهور سلبریتی‌ها را باید یکی از کارکردها یا کارویژه‌های جهان‌رسانه‌ای دانست که در فقدان رسانه، امکان تجلی ندارند. از این رو باید بین سوپرستاری و سلبریتی تمایز قائل شد که اولی محصول خصلت‌ها و کاریزمای فردی و حرفه‌ای است و دومی حاصل کارکردهای رسانه!

بدیهی است که سینماگران به ویژه بازیگران، سهم پررنگی در جامعه سلبریتی هاداشته و بیشترین نقش را در گسترش مظاهر زندگی سلبریتی دارند. شاید بتوان گفت که سلبریتی شدن، محصول شهرت رسانه‌ای است تا هنرمندی!

جالب اینکه در اغلب موارد، رابطه معکوسی بین این دو برقرار است. به این معنا که کمترین استعداد و توانایی در هنر خاصی مثلاً بازیگری را در فردی می‌بینیم که به سلبریتی بودن شهره است یا برعکس، بسیاری از بازیگران توانا و قدرتمند ما در جرگه سلبریتی‌ها قرار نمی‌گیرند.

بر همین اساس باید گفت که سلبریتی بودن، صرفاً یک موقعیت یا وضعیت است، نه فضیلت. اگر بخواهیم نگاه جزئی‌تری به این مقوله داشته باشیم، باید دو عنصر تصویر و رسانه را به عنوان عوامل مؤثر در شکل‌گیری سلبریتی بدانیم و بدیهی است که وقتی از تصویر و رسانه حرف می‌زنیم، بیش از هر چیز به سینما می‌رسیم.

اگرچه خوانندگان، فوتبالیست‌ها و ورزشکاران یا مجریان تلویزیونی هم در طیف سلبریتی ها یافت می‌شوند، اما بازیگران بیشتر از سایر اقشار قابلیت سلبریتی شدن دارند. از منظر سینمایی که به این سوژه نگاه کنیم، سلبریتی‌ها همان قهرمان‌های روی پرده هستند که میل دارند به قهرمانی خود، بیرون از پرده هم ادامه دهند.

آنها فقط نمی‌خواهند قهرمان سینمایی که قهرمان مردمی هم باشند؛ با همه ژست ها و ادا و اطوارهای ویژه آن. در شرایط کنونی، نسبت بین سلبرینی و سینما را می‌توان دست کم در دو



دوستانی بهتر از آب روان

حافظات مع و سهراب



دکتر حبیب‌الله صناعتی ۱۷

قطعه «حزان» مرا فریفته ساخت، هم چنان که پیش از این نیز به من لذت بخشیده بود. لیکن شعری که به همراه دومین نامه خود فرستاده‌ای، روح دیگری داشت. این قطعه از سورئالیسم مایه دارد و علت عمیق بودن آن نیز همین است. نقاشی بالای صفحه نیز با خود شعر هم‌آهنگی دارد. حبیب! من هنر تو را می‌پرستم و این هنر در حالی که خود رشد می‌کند به تو نیز بزرگی می‌بخشد. من ایمان کامل دارم که به زودی سرها در مقابل هنرمندی تو خم خواهد شد. من یک شعر از خود و یک قطعه از آثار نیما یوشیج را همان طور که قول داده بودم می‌فرستم تا تو نیز از فرستادن اشعارت خودداری نکنی.

دومین نامه تو خیلی دیر به دست من رسید، زیرا مدت‌ها در دفتر دانشکده مانده بود و چون من دیگر در آنجا کاری نداشتم از وصول آن بی‌خبر بودم. از این پس نامه‌ها را به آدرس زیر بفرست: تهران، خیابان امیریه، مقابل کوچه گنجی، کوچه سرهنگ اسدالله خان، کاشی شماره ۱۵ از مشفق و شهرت هم بی‌خبرم. سلام مرا به آنان و دیگر رفقا برسان.

سهراب سپهری  
۲۸/۴/۱۱

### برداشتی از نامه مورخ ۱۳۲۸/۴/۱۱:

این نامه هم مانند نامه پیشین، پوشیده از امواج حزن‌انگیز و دلگیری است. حزنی که دامان او را برای ماه‌ها رها نمی‌کند. آثار این اندوه را در نخستین کتاب شعر سپهری با عنوان «مرگ رنگ» می‌توان به‌خوبی مشاهده کرد.

این نامه در سال ۱۳۲۸ نگاشته شده و کتاب مرگ رنگ دو سال بعد یعنی سال ۱۳۳۰ انتشار یافته است. قطعات اشعار کتاب در فاصله همین دو سال نوشته شده‌اند. دو سالی که سهراب با آن امواج حزن درگیر بوده است، منشأ این حزن را بیشتر باید در ناآرامی روان فوق‌العاده حساس سهراب جستجو کرد.

غالب اشعار مندرج در کتاب «مرگ رنگ» به نحوی و نوعی از این حزن که گاهی هم «ملایم» نیست بلکه «گران و کلان» است، برخوردار می‌باشند. نخستین شعر با عنوان «در قیر شب» چنین آغاز می‌شود:

دیرگاهی است در این تنهایی

رنگ خاموشی در طرح لب است

بانگی از دور مرا می‌خواند

لیک پاهایم در قیر شب است

دیرگاهی است که چون من همه را

رنگ خاموشی در طرح لب است

جنبشی نیست در این خاموشی

دست‌ها، پاها در قیر شب است

دومین شعر با عنوان «دود می‌خیزد» نیز همچنان حزن‌آلود است:

دود می‌خیزد ز خلوت‌نگاه من

کس خبر کی باید از ویرانه‌ام؟

با درون سوخته دارم سخن

کی به پایان می‌رسد افسانه‌ام؟

در شعر بعدی با عنوان «مرغ معما»:

دیرزمانی است روی شاخه‌ای بید

مرغی بنشسته کو به رنگ معماست

نیست هم‌آهنگ او صدایی، رنگی

چون من در این دیار، تنها، تنهاست

در واقع حکایت مرغ معما، ترجمان آوای دل اوست که حزن‌آلود است. در شعر دیگر با عنوان «سراب» می‌گوید:

آفتاب است و بیابان چه فراخ

نیست در آن نه گیاه و نه درخت

غیر آوای غرابان، دیگر

بسته هر بانگی از این وادی رخت

ادامه دارد





خاطرات اجتماعی استاد امین‌الله رشیدی  
در عرصه آواز و موسیقی

## یک عمر خاطره

۱۱۴

آقای سامانی، موسیقی باخ را «زمینی» و شعر مولانا را «آسمانی» دانسته و تلفیق و اختلاط شعر مولانا را با موسیقی باخ، یک چیز ناهم‌آهنگ و آش در هم جوشی می‌داند و این تناقض را در سراسر موسیقی جناب «ا» مشاهده می‌کند و این را نوعی لکنت موسیقایی و نارسا می‌داند و نظر ایشان چون این نوع موسیقی، مورد استقبال عمومی قرار نمی‌گیرد، از خود می‌پرسد: چطور شده که اسپانسر این نوار، یک نهاد رسمی، یعنی حوزه هنری است؟ و در پایان این نوع موسیقی را تجربه‌ای می‌داند که به راه خطا می‌رود... در واقع این کارها، درست مصداق ضرب‌المثل «آسمان و ریسمان به هم بافتن» است.

### و سینما هم

از دنیای موسیقی که بگذریم، به نظر می‌رسد که صنعت سینما هم به فقر سوژه گرفتار آمده و ظاهراً کفگیر حضرات سینماگر نیز به ته دیگ خورده است. به طوری که مشاهده می‌کنید، گذشته از اقتباس داستان فیلم‌های خارجی، حتی نام بعضی از فیلم‌های معروف غربی را نیز با توجه به معروفیت آنها و به امید فروش بیشتر گیشه، بی‌باکانه کش می‌روند و روی فیلم می‌گذارند.

نمونهٔ بارز و آشکار چنین عملی فیلم «می‌خواهم زنده بمانم» است که البته مورد اعتراض شدید خانم سوزان هایوارد ستاره نقش اول نامبرده قرار گرفته و گویا مشارالیها تصمیم دارند از ماورای زمان از سینماگران ایران به علت سرقت غیرمجاز(!) نام این فیلم، به دادگاه عدل الهی شکایت برند.

### یک مدعی دیگر!

۷- یک نوازندهٔ تار هم در روزنامه همشهری مورخه ۸۳/۵/۲۹ ضمن مصاحبه‌ای با آقای علیرضا پورامید - که در سال‌های اخیر به جمع هنری‌نویسان مملکت ایران درآمده‌اند و پخته و سنجیده هم می‌نویسند - فرموده‌اند که تصمیم دارند آثار موسیقی‌دانان بزرگ غرب امثال بتهوون و واگنر و فرانتس لیست و ... را با یک عدد تار ایرانی اجرا کنند که این هم نوع خاصی از ابتکار و نوآوری است! بله، هر دم از این باغ بری می‌رسد/ تازه‌تر از تازه‌تری می‌رسد. ایشان مدعی هستند که این کار برای شنوندهٔ غیرایرانی خیلی جالب است، برای اینکه با این قطعات آشنا هستند و وقتی آنها را با ساز جدیدی که «تار» باشد بشنوند، خیلی جلب می‌شوند.

آقای «ک - س» اضافه فرموده‌اند که: بعضی از کنسرواتورها - یا شنیدن این خبر - بعضی از قطعات مرا خواسته‌اند و قرار است در آینده کارهایی انجام دهم.» اتفاقاً همین نویسنده - آقای پورامید - دربارهٔ «د - آ» یعنی دیوان شمس و باخ در همین شماره همشهری چنین نظر داده‌اند که: «شعار مولانا و موسیقی باخ، تلفیق و ترکیبی ناهمگون است که تن آن بزرگان را در گور می‌لرزاند.»

### توجیه منطقی!

آقای «ک - س» در همین روزنامه، یکی از علل پسرقت موسیقی و بیگانگی مردم را با موسیقی ایران، گذاشتن ریش‌های بلند بعضی از موزیسن‌ها و طرز لباس پوشیدن آنها می‌داند و می‌گوید: «خیلی‌ها فکر می‌کنند با پوشیدن ردای سفید رنگ و بلند کردن مو و ریش و چرخاندن تسبیح، می‌شوند یک موزیسن، در حالی که به اعتبار اسناد و عکس‌های تاریخی، هیچکدام از موسیقی‌دانان موسیقی سنتی ما، نه لباس و نه هیئت اینگونه داشتند که با روشن کردن شمع و گشودن «فال حافظ» بدون تمرین سازی بزنند و این مربوط به نگاه اشتباه‌آمیز امروز است و به خاطر همین است که موسیقی، بدین روز افتاده است!» خب، وقتی که نوآوری در عرصه موسیقی، اجرای آثار بتهوون با تار باشد، انتقادها و داوری‌ها هم به صورتی که خواندید، شکل می‌گیرد. ادامه دارد



فریم نظری

## پای صحبت‌های «محسن رزاقی» درباره نمایشگاه گروهی تصویرسازی در گالری مژده

## ۲۰ نگاه متفاوت به کلاغ

بقیه از صفحه اول

روایت «با آثار بیست هنرمند برگزار شده است.

این هنرمند تصویرگر بروندی‌گری نمایشگاه‌های گروه «آمیدا» را براساس یک موضوع مشترک چنین توضیح می‌دهد: معمولاً روی پیشنهاد‌های دوستان در جلسات دورهمی گروه، بحث و تبادل نظر می‌شود و بعد از اجماع درباره موضوع، به نحوه چگونگی پرداختن به آن موضوع و دعوت از هنرمندان نیز تصمیم



گرفته می‌شود. البته در بعضی از موارد، موضوع کاملاً از قبل طراحی شده و تصمیم گرفته شده است و فقط از دوستان دعوت می‌شود بعد از مطالعه درباره آن، پیش طرح‌های خود را ارائه کنند. مثل موضوع نمایشگاه قبلی گروه با عنوان «آیین دار دوران».

البته همانطور که در آثار متنوع هنرمندان حاضر در گروه آمیدا دیده می‌شود، گرچه وجه مشترک این گروه، تصویرسازی و تشریک مساعی با یکدیگر است، ولی در هر نمایشگاه هریک از هنرمندان با نگاهی مجزا و زبان شخصی، مسیر هنری متفاوتی را برای بیان موضوع آن نمایشگاه طی می‌کنند.

رزاقی در ادامه، به نمایشگاه «کلاغ: ۲۰ تصویر ، ۲۰ روایت» می‌پردازد و می‌گوید: این نمایشگاه کیوریتور (نمایشگاه گردان) ندارد، اما موضوع پیشنهادی نمایشگاه از طرف من ارائه شد و بعد از جلسه اعضا به توافق اکثر دوستان رسید.

او در ارتباط با موضوع مشترک «کلاغ» برای این نمایشگاه چنین بیان می‌کند: کلاغ، پرنده‌ای با ویژگی‌های منحصر به فردی است که تناقضات بسیاری درباره اش، چه در دنیای اسطوره و خیال و چه در گفته‌ها و شنیده‌ها وجود دارد که بر این اساس تأثیر ذهنی هر هنرمند نسبت به خلق اثری درباره این پرنده می‌تواند منجر به ارائه تصاویر مختلف بابر داشته‌های آزاد و جالبی بشود.

«کلاغ» را به عنوان موضوع این نمایشگاه انتخاب کردیم؛ چون پرنده‌ای است که از دیرباز در اطراف ما



طیف گسترده باورها و برداشت‌های موجود از کلاغ، سعی شده است که این تنوع در آثار ارائه شده در این نمایشگاه نیز انعکاس داشته باشد تا بی هیچ کلام اضافی، تصاویر، خود گویای آن باشند. علاقه‌مندان به دیدار از این آثار می‌توانند تا دوم آذر از ساعت ۱۲ تا ۲۰ به گالری مژده، واقع در سعادت آباد، خیابان علامه شمالی، خیابان ۱۸ شرقی، شماره ۲۷ مراجعه کنند.



اعضای گروه تصویرسازی «آمیدا»

«محسن رزاقی» نخست در ارتباط با چگونگی تشکیل گروه تصویرسازی «آمیدا» چنین توضیح می‌دهد: گروه «آمیدا» در سال ۱۳۹۰ به همت جمعی از هنرمندان در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته تصویرسازی دانشگاه تهران مرکز شکل گرفت.

نام «آمیدا» برگرفته از حروف اول کلمات جمله



«آرزوی ماندگاری یک دوستی ابدی» روی این گروه نهاده شد. اولین فعالیت این گروه در شهریور ۱۳۹۴ با برگزاری نمایشگاهی با موضوع «آزاد»، در «نگارخانه پردیس» موزه هنر ملی ایرانی آغاز شد که مورد استقبال اهالی هنر هم قرار گرفت.



سال بعد یعنی در اردیبهشت ۱۳۹۵ هم این گروه در پروژه بزرگ «آیین دار دوران، یادى از زنده‌یاد محمد ابراهیم باستانی پاریزی» شرکت کردند و آثارشان در تالار گنجینه سازمان اسناد کتابخانه ملی به نمایش درآمد و بعد از آن نیز نمایشگاه همین آثار در پردیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و باغ موزه نگارستان دانشگاه تهران برگزار شد و اکنون تمامی این آثار در باغ موزه دانشگاه تهران نگهداری می‌شود.

او همچنین درباره تعداد هنرمندان تشکیل دهنده گروه «آمیدا» می‌گوید: چند نفر از دوستان عضو ثابت گروه هستند، اما دقیقاً نمی‌شود گفت تعداد اعضا چند نفرند. چرا که با هر پروژه تعداد کم یا زیاد می‌شود و کاملاً متغیر است. براساس موضوع یا سفارشی که می‌شود، بعد از ارائه پیش طرح به هنرمندان و موافقت اولیه، آنها دعوت به همکاری می‌شوند. مثلاً در این پروژه نمایشگاهی چند نفر به گروه اضافه شدند و تعداد گروه به سی نفر رسید، اما در نهایت، دوازده نفر از آن حذف شدند و نمایشگاه «کلاغ: ۲۰ تصویر ، ۲۰



## دلهره مدام گریختن



«دلهره مدام گریختن» عنوان سومین مجموعه شعر شاعر جوان «سایبر هاکا» است که در سال ۹۷ توسط نشر چشمه در دسترس مخاطبان شعر قرار گرفته است. اسن کتاب دربرگیرنده پانزده شعر سپید است و ۶۴ صفحه دارد. هاکا در پشت جلد

کتاب نوشته است:  
«از من نخواه که دوست نداشته باشم  
عشق اگر بمیرد  
زندگی بال هایش را می‌گشاید و  
می‌برد  
چنان پرنده‌اس که ناگهان بهراسد»  
در ادامه شعری از این کتاب را با هم می‌خوانیم:



رؤیاها زیباتر از آند که حقیقت داشته باشند

به رؤیا می‌مانی  
دور و دست نیافتنی  
همیشه تو را اینگونه احساس کرده‌ام  
دور از بودن  
زمین را با تمام خستگی اش  
از داربستی به داربستی دیگر  
می‌کشانم

همچون پرنده‌ای  
از شاخه‌ای به شاخه‌ای دیگر  
محکم و استوار بر رویای خود ایستادن  
زنده بودن ناچیزی است  
در دنیای مُرده اشیا  
دور افتاده‌ام  
ناچیز چنان حقیقتی که پنهان می‌ماند  
در ترس

و هر روز کم می‌شوم از آنچه بوده‌ام  
تا بازگردم  
به زمینی که از آن برخاسته‌ام  
سخت است اما  
چنان بمانی که بوده‌ای  
در دنیایی که همواره چیزی از میان  
می‌رود

تا چیزی تازه آغاز شود  
به درون خالی‌ام بنگر!  
ناگهان می‌آیی  
بی‌وقفه و مدام  
تمام دل‌تنگی‌های جهان را بر پوستم  
می‌کشی

ناگهان می‌روی  
همچون بادی که می‌گذرد  
بیهوده است اگر بگویم «برگرد»  
دوری‌ام  
ای دوری‌ام  
تو را برای زیستن می‌خواستم، نه مُردن.

## نگاهی به مجموعه شعر «از تو چیزی که تشنه‌ام» سروده ابوالفضل پاشا

## شعر در گستره هفتاد و نود



است. و برای خود من جای بسی سوال است که این خصیصه به مرور زمان از بین خواهد رفت یا جای پای خود را در شعر دهه نود محکم خواهد کرد. یا این نوع شعر با این مختصات زبانی می‌خواهد از امکانات نثر هم بهره‌بردار شود. درخود نثر هم قابلیت‌های فراوانی نهفته است، اما حرکت کردن به این سمت و سو یعنی حرکت بر لبه تیغ.

در دهه هشتاد، خیلی از شاعران خواستند به زوایای پنهان نثر هم توجه نشان دهند، اما اتفاق جدیدی رخ نداد، بل به سمت یک نوع نثرنویسی محض و ساده نوشتا گونه حرکت کردند که مخاطب را با سطح نویسی محض روبرو می‌کرد.

احساس خالی در شعر یعنی به قهقرا بردن شعر. اتفاقی که در دهه هشتاد افتاد. اما در دهه هفتاد و نود، شاعرانی همچون پاشا و آفاق شوهانی و بهزاد خواجهات و علی عبدالرضایی، احساس را با ادراک پدیده‌های نو تلفیق می‌کنند.

شاعر دهه هفتاد، خود را فراموش نمی‌کند و به ظرفیت‌های پنهان خود در ناخودآگاه و تبدیل آن به خودآگاه مشرف است. شاعران دهه هفتاد شاید از ظرفیت‌های دادانیستی بهره‌بردارند و پازل‌های خود را بچینند، اما این پازل یا توپ چهل تیکه، چیزی کاملاً از هم گسیخته و نامربوط نیست. دقیقاً همه آن مؤلفه‌ها در خدمت و ابزاری برای زبان و فرم شعر است.

پاشا روان پارگی زبان را دارد و درجهایی هم ممکن است به صورت ناخودآگاه فرایندهایی را وارد شعر کند که خوشایند نباشد و حتی تصنعی به مخاطب بدهد. اما این اتفاق ممکن است در یک یا دو شعر این مجموعه بیفتد. اما در دیگر شعرهای این مجموعه، شاعر به طبیعت کلام نزدیک می‌شود و دست به نوآوری‌های خوبی می‌زند.

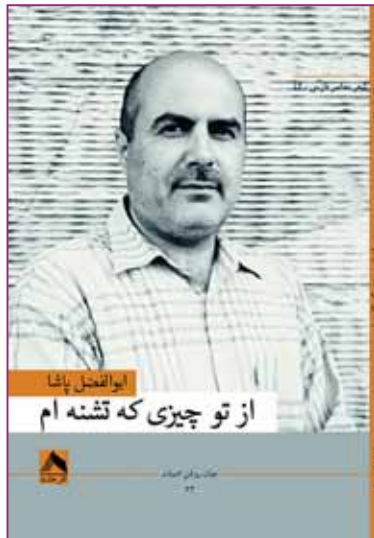
اعمال و سواسی، اعمالی هستند که در روان انسان، میل به تکرار شدن دارند. در بحث روانشناختی، این اعمال و رفتارها می‌توانند تبدیل به رفتاری ویرانگر شوند. شبیه شستن ظرف‌ها، زن با هر بار دیدن ظرف‌های آشپزخانه فکر کند که آن ظرف‌ها کثیف است و برای هزارمین بار میل به شستن آنها داشته باشد. اما این اعمال در ذهن یک شاعر به گونه دیگری اتفاق می‌افتد.

شاعر یکسری موتیف‌های تکرار شونده در ذهن و بسا ذهن و یا ناخودآگاه خود نهفته دارد. این موتیف‌ها ممکن است بدون این که شاعر بداند، در یک مجموعه، صد بار تکرار شود. این تکرار واژه، ممکن است به ویرانگری یک مجموعه شعر بینجامد و ممکن است در شعر فروغ، این عمل تکرار به فرمی خاص در شعر بدل شود.

پاشا در این مجموعه شعر، میل به تکرار و نوآوری در فرم کلی شعر و فرم زبان دارد. این عمل برای شاعر، جزو خصیصه‌های شعری اوست که حرکتی نو محسوب می‌شود. اینجا خصیصه تکرار فرم‌های نو دیگر کلیشه نیست و به شکست شاعر نمی‌انجامد. اینجا این اعمال تکرار فرم، به دنبال نوعی از نوآوری برای کشف جهان‌های تازه شعراست.

شاید این میل به نوآوری، در مرتبه نخست، نوعی افراط و تفریط جلوه کند؛ اما همین میل به تکرار نوآوری، به مرور زمان، تبدیل به یک خصیصه و مؤلفه شعری می‌شود که ممکن است خیلی از شاعران را به این سمت و سو بکشاند. میل به نوشتن چیزی بینابین شعر و نثر. این میل، میل به تخریب آن چیزی است که تا به حال به عنوان یک اصل بوده است. شکستن و تخریب هر آن چیزی که بوده و هست.

عدم درک صحیح لحن در زبان ممکن است که مخاطب را در فهم و درک اثر دچار کج‌فهمی کند. ما نباید فراموش کنیم که شاعر در این مجموعه، زبان شعر و فضا و زمان آن را به یک حالت روان پارگی می‌برد. او این روان پارگی را برای کشف جهان تازه‌ای تجربه می‌کند. شاید این تجربه ابوالفضل پاشا با تجربیات ۱۵ سال پیش او متفاوت باشد. اما انگار آن نخ نامرئی شاعر که به هر چیزی از منظر شک و تردید می‌نگرد، هنوز جایی در بین اشعار شاعر دارد.



ذهن پرسشگر شاعر، ذهنی ضد واقعیت است، اما در حالتی نسبی، با دید شک به همه چیز می‌نگرد، سوال می‌پرسد، ذهن مخاطب دچار چالش می‌شود، اما به دنبال جوابی قطعی نیست. او به دنبال بازیافت فضاهای سنتی و حتی زبان عامیانه، برای کشف جهان تازه شعر است.

حتی شاعر بازگشت به گذشته و گاهی در برخی از اشعار کتاب‌های قبلی از آن حس نوستالژیک دبستانی بهره می‌جوید. شاعر امروز باید نیاز به ساختار شکنی در جامعه را حس کند. نه این که متأسفانه با به هم ریختن نحو جمله و ساختار فرمی شعر، خود را به شعر دهه هفتاد سنجاق کند.

باید برای هر بسته‌ای که وارد جامعه می‌کنیم، شرایط فرهنگی اجتماعی و نیاز آن را در جامعه حس کنیم. اما امثال پاشا دقیقاً از سیاه و سفید دیدن، از خیر و شر دیدن آن فضای مدرنیته و حس مطلق‌گویی که در اشعار شاعران قبل وجود داشت، به ستوه آمده بودند. نیاز این بود که اتفاقی بیفتد. شاعران دهه هفتاد، به خصوص پاشا، در این مجموعه شعر و دیگر مجموعه‌هایش، از این تقسیم کردن جهان به خوب و بد فرار کردند و حقیقت جهان را گاهی خاکستری و گاهی نسبی می‌بینند.

حقیقت برای پاشا چیزی نسبی است، نه مطلق. فرار کردن از مطلق‌انگاری و حرکت کردن به سوی بی‌زمانی و همه چیز را به تصادف و حتی قضا و قدر واگذار کردن، از شیوه‌های مرسوم و شناخته شده این دهه شد. در شعر پیشینیان، سوزه انگار بر مخاطب تحمیل می‌شد؛ اما در مجموعه شعر «از تو چیزی که تشنه‌ام»، سوزه‌ها بر عبارات و واژه‌ها و حتی کلیت زبان تحمیل نمی‌شود.

پاشا بر چند وجهی بودن شعرها تمرکز کرده است. وقتی جهان دچار بی‌نظمی شده، آوردن و به کار بردن ثقل مرکزی و یک گرانیگاه مهمتر از خود سوزه است. حتی در این مجموعه، زبان چیزی میان شعر و نثر





رضایزایی

## جنش ضد سیگار دانشجویی!

بعضی طرح و برنامه های عام المنفعه را آدم باید روی هوا بزند تشویق نماید. حتما که نباید فقط پشه را روی هوا نعل کرد. هوا کاربردهای دیگر و بهتری هم دارد. البته اگر خود هوا آلوده نباشد. اتفاقا یکی از چیزهایی که در کنار لوله های آگروز ماشین آلات و دودکش های کارخانجات عظیم الجثه صنعتی، باعث آلودگی هوا می شود، عزیز نام آشنایی به نام سیگار است. تنها محصول تولیدی جهان امروز که روی آن به عوض مزایا و سایر قضایا، مضرات استعمال آن به مصرف کننده گوشزد شده است.

### هشدار منظوم:

تو چون خود کنی سینه خویش را بد  
مخواه از طبیعت ریهی بهتری را  
در همین راستا چند سال پیش(۱۳۸۹) باخبر شدیم که در یک اقدام بهداشتی دانشگاهی، مصرف سیگار در دانشگاه های کشور ممنوع اعلام شده است. الآن البته اطلاعی نداریم که بعد از گذشت قریب ۸ سال، چه اثری از این طرح پی خجسته باقی مانده است؟! این خبر از سوی دبیر شورای مرکزی انضباطی دانشجویان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی آن زمان، در رسانه ها پخش و پلا شد که طبق آن، از همان موقع، استعمال هرگونه سیگار و مواد دخانی در محیط دانشگاه و فضاهای مرتبط با آن ممنوع می شد و با فرد متخلف برخورد به عمل می آمد. ضربتی و قاطع!



**نکاتی چند:** همان زمان، ما اعلام کردیم که چون عادت نداریم از کنار هر خبری به سادگی عبور کنیم و این قدر ساده نیستیم که بعضی ها خیال می کنند؛ فلذا در راستای ممنوعیت کشیدن سیگار، بای نحو کان، نکاتی چند به نظرمان رسید که به سمع و نظر ملت شریف (و بعضا اهل سیگار!) ایران رساندیم و بد نیست بعد این مدت، مجددا یادآوری کنیم. بی ضرر است:

**۱- آلوده کنندگان دانشگاه ها:** این ممنوعیت مطرح شده، پیش و بیش از هر چیزی هشدار مستقیم می دهد به کسانی که قصد آلوده کردن فضای مطلوب و خوش آب و هوای دانشگاه ها را دارند. لطفا غلاف کنند. سیگارها را عرض می کنیم!

**۲- تکلیف پیش دانشگاهی ها:** چون طرح مذکور خبر از ممنوع شدن استعمال سیگار در دانشگاه ها را می دهد؛ حالا آمدیم و برای یک شخص مکلفی این سوال پیش آمد که با فرض مذکور آیا کشیدن سیگار در محیط پیش دانشگاهی بلااشکال می باشد؟... خیر؛ این خلط مبحث کردن ها و سفسطه بازی ها باعث انحراف مسئولان وزارت بهداشت و داشگاه های ما نخواهد شد. در پیش دانشگاهی که به طریق اولی نباید بکشند. لازم است تمرین و ممارست نمایند که نکشند.

**۳- کشیدن در کلاس نقاشی:** بعضی ها ممکن است شبهه در کنند که کشیدن سیگار در بعضی رشته ها و کلاسها از قبیل نقاشی و گرافیک، مستثنی از این قاعده می باشد که استثنائا نمی باشد. کشیدن سیگار در رشته های فوق الذکر فقط بر روی وایت برد(تخته سیاه سابق) مجاز می باشد. غیر آن باشد، باید شدیداً پیگیری انضباطی تا سرحد تعقیب شود.

**۴- کشف داوطلبان سیگاری:** به نظر صائب ما( و نه صائب تبریزی!) بهتر است که دانشجویان سیگاری از همان مرحله پیش از دانشگاه که هنوز وارد «جنش دانشجویان سیگاری» نشده اند؛ کشف و شناسایی شوند. مثلاً مسؤولان آموزش عالی( که خداوند متعالی بفرماید) می توانند در سر جلسه برگزاری آزمون سراسری دانشگاهها، درست وسط کار که حواس داوطلبان به تست زدن مشغول است، به آنها سیگار تعارف کنند. اگر برداشتن، همانجا کنار اسم قشنگشان یک ستاره دنباله دار بگذارند.



پدرزن

## بیادر مورد افسردگی باهم حرف بزنیم!

کجا بود و چرا این روزها به او کم محلی کرده و اصلاً به فکر حال و روز ناخوش او نیستیم.

قاضی هم به همین دلیل رأی را به نفع بنده صادر کرد و به من گفت: «همیشه این کار را انجام بده، همه هزینه های تلفنی ات هم با من!»

پدرزنم می گوید: «به پدر و مادرم فحش نده. ۱ سال است که مرده اند!» اما من باور نمی کنم. حتماً می خواهد که

و بیهوش شود، بی فایده بود. گرچه مغزی وجود نداشت که بخواند عکس العمل مناسبی انجام دهد!

از ۵ سال پیش تا به حال، زمانی که اتفاقات شاد و غمگین یا بعضاً بی اهمیتی در زندگی بنده رخ می دهد، به پدرزن سابقم تلفن می کنم و با او در مورد مسائل پیش آمده، گفتگوی طولانی دارم. او هم به حرف هایم گوش می دهد.

اما کمی از من شاکی است و می گوید:



دل مرا به رجم بیاورد تا ولش کنم، ولی کور خوانده. اصلاً گیریم که مرده باشند! به جهنم! برایم کمترین اهمیتی ندارد.

روزی دخترش (همسر سابقم) گوشی را از پدر ربود و گفت: «با پدرم کاری نداشته باشد. تو به روانپزشک نیاز داری!»

در کمال خونسردی گفتم: «پیش روانپزشک رفته ام خیر سرت! گفته که خوب نمی شوی، پس هر کاری که صلاح می دانی انجام بده! اما پدرت همیشه حالم را خوب می کند. به هر حال مستمع صاحب سخن را به وجد می آورد!»

یکبار ساعت ۳ صبح به او زنگ زدم و هر چی از دهانم درآمد، نثارش کردم. خواب بد دیده بودم. همان شب سگته کرد، اما متأسفانه زنده ماند. یک روز به دوستم گفتم که به خانه شان زنگ بزنم و بگویم که داماد سابقان رو به موت است و می خواهد از شما حلالیت بطلبد.

بدبخت از همه جا بی خبر با آن پای کجش به محل اختفای ما آمد. ریختم سرش و چنان کتکی به او زدم که باز هم سگته کرد. این دفعه فلج شده است. پس تلاش های شبانه روزی ام جواب داد.

به این شعار اعتقاد پیدا کردم که: «بیادر مورد افسردگی باهم حرف بزنیم!»

الآن حالم کمی بهتر است، اما تا مرحله نهایی بازی از پای نخواهم نشست. به هر حال باید وفاداری و عشق ابدی ام را به آن خانواده ثابت کنم!!!

«چرا اینقدر به من فحاشی می کنی؟! تهدید تو در این باب که روزی با جرتغیل از روی من رد می شوی، چه دردی را دوا می کند؟! مگر مرض داری که می خواهی مقدار زیادی مار و عقرب را در منزل ما رها کنی؟!»

من در جواب به او می گویم: «چون تو عامل جدایی ما بودی. زندگی ما سرشار از عشق و بریز و بپاش بود! اگر تو و آن زن نفرین شده ات، سرتان را داخل زندگی ما نمی کردید، روابط مشترک ما به گند کشیده نمی شد!»

اما او روح امواتش را قسم می خورد که این تصمیم دخترم بوده! مثل چی دروغ می گوید. اولاً که همیشه به اموات خویش فحاشی می کرد که اصلاً چرا به من دختر داده است! پس امواتش نباید برایش اهمیتی داشته باشند.

ثانیاً مگر می شود کسی از من به این نازی خوشش نیاید؟! لقب نازی را معلم پرورشی ام به من داد. او معتقد بود که من هیتلر دوم می شوم. فقط باید کمی روی تسلیحاتم، بیشتر کار کنم!

پدرزنم حتی از من شکایت کرد، اما قاضی حکمی سنگین برایش برید و حق را به من داد. پدرزنم آدم بسیار بدبخت و بیچاره ای است. حتی اینقدر عقل ندارد که شماره تلفن مرا بلاک کند یا حتی جوابم را ندهد. فکر کنم این اواخر به فحاشی های من معتاد شده بود؛ زیرا اگر کمی دیر زنگ می زدم، او از بنده گلایه می کرد که تا الآن

### فقط «متلک نامه» کم داشتیم!

«علیرضا حیدرزاده»

جوان ۲۷ ساله طنزپردازی است که فوق لیسانس مهندسی نفت دارد و قرار است در آوردن نفت به سر سفره های ما کمک حال مسئولان دلسوز و نفت سوز کشور باشد. او در کنار همکاری با روزنامه «نقدحال»، متأسفانه مدتی است که وارد حوزه طنز شده و دارد در این وادی قدم و قلم می زند. او همین اول کار، با عجله، تابستان امسال، کتاب طنزی را روانه بازار کرده با عنوان: «متلک نامه» (به روایت طنز)!



کتاب حاضر، شامل چندین داستان کوتاه طنز است. داستان هایی که نویسنده سعی نموده است تا در آنها بعضی از عادات زشت و ناپسند را با زبانی طنزآلود بیاد کند و به بسیاری از مسائل و مشکلات جامعه و همچنین مشکلات فردی بپردازد.

این حیدرزاده طنزپرداز، در مقدمه لاغر کتاب می گوید: «تا جایی که در توان داشته ام، از کلمات ناثانوس و غریبه پرهیز نموده ام تا خواننده هنگام مطالعه کتاب نیازی به معنی کردن کلمات نداشته باشد».

واضح و روال است که در طنزپردازی باید سه عنصر مهم یعنی: بزرگنمایی، خنده و انتقاد رعایت شود. پس داستان هایی که در خدمت شما عزیزان قرار گرفته، حتماً دارای بزرگنمایی بوده و قطعاً نباید واقعیتی آشکار باشد».

بر پیشانی کتاب مورد نظر، از زبان نویسنده جوان و جویای نام ما چنین آمده است: «تقدیم به تمامی متلک گویان درست و نادرست ایران زمین ... نه، شوخی کردم! تقدیم به پدر و مادر عزیز و مهربانم که بنده را در تمامی مراحل زندگی، همراهی و پشتیبانی شبانه روزی و ۲۴ ساعته و آنلاین فرمودند».

و سپس ایشان در ادامه کار، شما را مهمان خوانده و ناخوانده ۱۹ داستان کوتاه طنز می کند که اگر یک داستان دیگر بدان افزوده بود، کارش بیست می بود! البته شاید هم که در مراحل معنوی میزبانی، ارشادیده و حذفیده (!) شده است. ان شاء الله که اینطور نیست!

چاپ اول کتاب «متلک نامه» از سوی «انتشارات سعادت ایران» و به قیمت ۱۴ هزار تومان، روانه بازار کساد کتاب شده است. بیچاره نویسنده! برای این که با نثر کتاب آشنا شوید و زبان و نگاه طنز نویسنده جوان آن را دریابید تا آگاهانه بتوانید تصمیم به خرید یا نخرید آن بگیرید؛ ذیلاً توجه شما را به یکی از داستان های کوتاه متلک نامه جلب می کنیم. باشد تا مایه عبرت سایرین گردد!

داستان از آنجا شروع شد که ۵ سال پیش همسر من جدا شد. او گفت که دیگر مرا درک نمی کند و به همراه مقدار زیادی طلا، پول نقد و وسائل آرایشی و بهداشتی از خانه متواری شد. هرچه برایش وسیله پرتاب کردم تا به مغزش اصابت کند



تبسم و تفکر

### احمد رضا سهرابی

\*متولد ۱۳۵۵ شهر خشت/فارس

\*خبرنگار و کاریکاتوریست

\*پیشینه ۱۵ سال همکاری با مطبوعات

\*برنده جایزه اول کاریکاتوراز نخستین جشنواره نگاران جوان ایران/۱۳۷۵

\*جایزه دوم عکس از پانزدهمین جشنواره سراسری مطبوعات ۱۳۸۷





۲۹ آمان

✽ حضرت امام در مصاحبه با مجله آلمانی اشپیگل، ضمن پاسخ به سؤال این مجله در مورد جانشینی رضا پهلوی (ولیعهد محمدرضا پهلوی) به جای پدرش، گفتند: چنین چیزی هیچگاه مورد بذورش نیست و این نخواهد بود.

\* روزنامه ورلدينوز در مقاله‌ای ضمن گزارش وضع خارجيان و شرکت‌های خارجی در ايران، اوضاع آنها را بحرانی و نگران‌کننده توصیف کرد.

\* جمعی از اساتید و فضایی حوزه علمیه قم با ارسال  
 نگرانی برای آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی و قمی در مشهد،  
 ضمن اعلام همبستگی با مردم این شهر، به شهادت رسیدن مردم  
 بی‌دفاع را در بیمارستان حضرت امام(ع) تسلیت گفتند.  
 \* شاه ضمن رد احتمال کناره‌گیری از سلطنت، گفت: تا  
 به سلطنت رسیدن ولیعهد، در مقام خود خواهد ماند.

\* بخش فارسی رادیو بی.بی.سی: آیت‌الله خمینی وعده داده است که مبلغ سیصد هزار دلار به کارکنان اعتصابی مطبوعات، به عنوان حقوق پرداخت شود.

\* شش هزار دانشجوی دانشگاه فردوسی مشهد دست به تظاهرات زدند، دانشجویان و مردم برای عبادت از مجروحین دیروز، در مقابل بیمارستان تجمع کرده بودند که چند تن از اساتید و دانشجویان دستگیر شدند. مردم معترض تا شب هنگام به منازل خود نرفتند.

در نتیجه، مامورین برای اولین بار با چکمه و تفنگ وارد صحن حرم حضرت رضا(ع) شدند و مبادرت به تیراندازی و پرتاب گاز اشک‌آور نمودند. در بیرون حرم نیز عده‌ای چماق به دست به جان مردم افتادند.

\* به دنبال اعتصاب کارکنان پالایشگاه نفت آبادان، اعتصابیون برای ادامهٔ اعتصاب از حضرت امام کسب تکلیف کردند. لذا بنا به توصیه حضرت امام، صنعتگران نفتی در حال اعتصاب می‌باشند.

✱ کارکنان پالایشگاه برای جلوگیری از اخراج کارکنان و تعطیل کردن پالایشگاه در محل تجمع کردند. این در حالی است که علی رغم تبلیغات بلندگوهای رژیم، دولت هنوز موفق به گشایش پالایشگاه نشده است.

\* خبرگزاری فرانسه گزارش داد: در زد و خوردهای شیراز یکصد و پنج نفر به قتل رسیدند.

✱ در ساری، بیست نفر شهید یا مجروح شدند.  
✱ سفارت ایران در نروژ توسط پانزده دانشجوی ایرانی اشغال شد.

\* عربستان سعودی در یک بیانیه رسمی، حمایت خود را از شاه اعلام کرد.

\* تمام پرونده‌های موجود در دیوان کیفر و دادسرای تهران به جریان گذاشته شد و در نتیجه عده‌ای از بلند پایگان شاغل یا سابق توسط بازپرسان توقیف شد. دکتر غلامحسین جهانشاهی وزیر اسبق بازرگانی منوچهر استاندار پیشین فارس جزو بازداشت شدگان می باشد.

\* شش هزار دانشجوی دانشگاه فردوسی دست به تظاهرات زدند.

\* شاه در یک مصاحبه با هفته‌نامه نایم گفت اگر از سلطنت کناره‌گیری کنم آتش جنگ داخلی در ایران افروخته خواهد شد او گفت اگر چنین جنگی درگیرد هزاران نفر کشته خواهند شد و کشور تجزیه خواهد شد و گروه‌های کمونیستی در صدد به دست گرفتن امور بر خواهند آمد. شاه گفت پس از مطالعه راه‌های ممکن تصمیم گرفته‌ام است در مقام خود باقی بماند تا سرنجام فزاینده صدمه سال‌هاش، خاتمه یابد. او شد.

\* امام خمینی در مصاحبه با مجله اسپیکل گفتند: ما با رضا بهلوی به عنوان جانشین شاه موافقت نخواهیم کرد.



## تظاهرات عاشورا-تهران

قاب امروز



### جشنواره بازی های بومی محلی در بجنورد / عکس از: وحید رسولی

## سرایه

گر بر خرد چیره گردد هوی  
نخواهد به دیوانگی بر گوا  
گر جفت گردد زبان بادروغ  
ز بخت سپهری نگیرد فروغ  
سخن گفتن کز ز بیچارگی ست  
به بیچارگان بر بایاد گریست  
فردوسی

بزرگان

«\*فردا و دیروز با هم دست به یکی کرده، دیروز با خاطراتش مرا فریب داد. فردا با وعده هایش مرا خواب کرد. وقتی چشم گشودم امروز گذشته بود.»

**آبیر کامو**

«\*کلمات چنان قدرتی دارند که می توانند آتش جنگی را بیفزوند یا صلحی را برقرار سازند، رابطه ای را به نابودی کشانند یا آن را محکم تر کنند.»

## آنتونی رابینز

## امروز در تاریخ

## اعلان جنگ ایران به روم شرقی

دولت وقت ایران بیستم نوامبر سال ۵۰۲ میلادی (زمان پادشاهی قباد ساسانی) به دولت روم شرقی (قسطنطنیه) اعلان جنگ داد. این اعلان جنگ پس از سه اخطار پی در پی به دولت روم که این دولت در رعایت تعهداتی که به موجب پیمان صلح سال ۴۴۲ (منعقد شده میان یزدگرد دوم و ثئودور) سپرده بود تعلل کرده است صادر شده بود.

بهای سکه طلادر آبان ۱۳۳۱

۲۹ آبان سال ۱۳۳۱ - دوران حکومت مصدق روزنامه های تهران بهای سه‌گانه طلا (یک پهلوی) را ۷۴ تومان و پنج قران گزارش کرده بودند. این روزنامه ها بهای دلار آزاد (نرخ بازار) را ۷۴ قران گزارش کرده بودند. در سال ۱۳۳۱، ایران تحت تحریم انگلستان قرار داشت که یک ابر قدرت وقت بود و نمی توانست نفت صادر کند.

## «ژنو» پایگاه پرتستانیسیم

«ژان کالون» فرانسوی و یکی از دو مؤسس اصلی مذهب پروتستان ۲۰ نوامبر سال ۱۵۴۱ در ژنو یک حکومت مذهبی تشکیل داد تا پایگاهی برای پروتستانسزم اروپا باشد. وی ضمن اعلام تشکیل چنین دولتی تأکید کرد که پروتستان‌های فراری و آواره سراسر اروپا در ژنو پناه می‌دهد و به این ترتیب «ژنو» در برابر «رم» و واتیکان «قرار گرفت که بابتخت باب هابود.

## تولستوی اندیشمند و نویسنده بزرگ روس

۲۰ تومبر سال ۱۹۱۰ «لئونیکلاویویچ توستوی» نویسنده شهر و اندیشمند روسیه در ۸۲ سالگی در گذشت. طبق تقویم میلادی قدیم تاریخ مرگ توستوی هفتم ماه تومبر بود. لئونیم سیتامبر ۱۸۳۸ و در تقویم قدیم ۲۸ اگوست این سال در یک خانواده ارباب ملک در منطقه تولی به دنیا آمده بود. وی به دلیل مخالفت بودن با برنامه های تحصیلی تدراری و بعضا بی ارتباط، دانشگاه را در سال سوم، ناتمام رها کرد.

## زومبی قهرمان ملی برزیل

۲۰ نوامبر سالروز اعدام زومی رهبر بردن فراری برزیل در سال ۱۹۹۵ است و درعین حال یک روز ملی این کشور است. انتقال سیاهپوستان آفریقا به قاره آمریکا در قرون ۱۶ و ۱۷ و فروش آنان به صورت برده در برزیل، منطقه کارائیب و نیز آمریکای شمالی عمدتاً توسط پرتغالی‌ها انجام می‌شد. بردگان سیاه در چند نقطه برضد اربابان دست به شورش زدند و برضد آنان در برزیل که مستعمره پرتغال بود موفقیت بیشتری داشت.

۲۳۳۴

# سو دو کو

	9						1	8
4		8				6		
			4	1		7		2
			5				4	
3			2		1			9
	8				3			
1		7		5	9			
		6				1		3
8	5						2	

۲	۸	۴	۷	۵	۹	۶	۳	۱
۶	۳	۱	۲	۸	۴	۷	۵	۹
۷	۵	۹	۶	۳	۱	۲	۸	۴
۴	۲	۸	۹	۱	۷	۵	۶	۳
۵	۷	۶	۴	۲	۳	۹	۱	۸
۹	۱	۳	۸	۶	۵	۴	۲	۷
۳	۴	۲	۵	۹	۸	۱	۷	۶
۸	۶	۷	۱	۴	۲	۳	۹	۵
۱	۹	۵	۳	۷	۶	۸	۴	۲

## حل ۲۲۲۲۲

## جدول شرح در متن

۴۸۴۷

غلامحسین باغبان

[illegible]